واکاوی مفهوم سر زندگی و کیفیت زندگی ساکنان محلات دربستر فضاهای سبز شهری

(مورد مطالعه: پارک های نواحی ۴ گانه پیرانشهر)

چکیده

اهداف: رشد شهرنشینی و کاهش کیفیت محیطی محلات، اهمیت فضاهای سبز شهری را در ارتقای سرزندگی و کیفیت زندگی ساکنان افزایش داده است. هدف این پژوهش تبیین نقش کیفیت فضاهای سبز شهری در سرزندگی و کیفیت زندگی کاربران چهار پارک منتخب شهر پیرانشهر بود.

روش‌ها: این مطالعه کاربردی با رویکرد آمیخته کمی-کیفی و طرح تبیینی انجام شد. در بخش کمی، داده‌ها با پرسشنامه از ۲۰۰ کاربر پارک‌های خیام، نیلوفر، لاله و فرهنگ گردآوری و با آمار توصیفی، همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه تحلیل شد. در بخش کیفی، ۱۶ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته کوتاه و مشاهده میدانی انجام و داده‌ها با کدگذاری و تحلیل مضمون بررسی شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد ادراکات حسی قوی‌ترین پیش‌بین کیفیت زندگی با ضریب بتای ۰/۹۰۶ و سرزندگی با ضریب بتای ۰/۶۶۳ است. مدل کیفیت زندگی ۷۸/۹ درصد و مدل سرزندگی ۶۸/۸ درصد از واریانس متغیرهای وابسته را تبیین کرد. کنش‌های اجتماعی نیز اثر مثبت و معناداری بر هر دو متغیر داشتند. یافته‌های کیفی نشان داد کاربران کیفیت پارک را عمدتاً از طریق آرامش محیطی، زیبایی منظر، سایه، پوشش گیاهی، امکان مکث، حضور خانواده‌ها، تعاملات روزمره و احساس امنیت ادراک می‌کنند.

نتیجه‌گیری: ارتقای پارک‌های شهری باید فراتر از افزایش تجهیزات کالبدی باشد و بر تجربه حسی مطلوب، تعامل اجتماعی، امنیت ادراک‌شده، امکان مکث و طراحی انسان‌محور تمرکز کند.

کلیدواژه‌ها: فضای سبز شهری؛ سرزندگی؛ کیفیت زندگی؛ ادراک حسی؛ کنش اجتماعی

An analysis of the concept of life and quality of life of residents of neighborhoods with urban green spaces (Case study: Parks of the 4 districts of Piranshahr)

Abstract

Aims: Urbanization and the decline of environmental quality in neighborhoods have increased the importance of urban green spaces in improving residents' vitality and quality of life. This study aimed to explain the role of urban green space quality in the vitality and quality of life of users of four selected parks in Piranshahr.

Methods: This applied study was conducted using an explanatory mixed-methods design. In the quantitative phase, data were collected through a questionnaire completed by 200 users of Khayyam, Niloufar, Laleh, and Farhang parks and were analyzed using descriptive statistics, Pearson correlation, and multiple regression. In the qualitative phase, 16 short semi-structured interviews and field observations were conducted, and the data were examined through coding and thematic analysis.

Findings: The results showed that sensory perceptions were the strongest predictor of quality of life, with a beta coefficient of 0.906, and vitality, with a beta coefficient of 0.663. The quality-of-life model explained 78.9% and the vitality model explained 68.8% of the variance in the dependent variables. Social interactions also had a positive and significant effect on both variables. The qualitative findings showed that users mainly perceived park quality through environmental calmness, landscape beauty, shade, vegetation, opportunities for staying, family presence, everyday interactions, and perceived safety.

Conclusion: Improving urban parks should move beyond increasing physical facilities and should focus on pleasant sensory experience, social interaction, perceived safety, opportunities for staying, and human-centered design.

Keywords: Urban green space; Vitality; Quality of life; Sensory perception; Social interaction

مقدمه

در دهه‌های اخیر، رشد شهرنشینی، افزایش تراکم کالبدی و کاهش کیفیت محیطی در محلات شهری موجب شده است که توجه به فضاهای سبز شهری به یکی از محورهای مهم برنامه‌ریزی و طراحی شهری تبدیل شود. فضاهای سبز شهری، به‌ویژه پارک‌های محله‌ای، تنها عناصری زیست‌محیطی یا تفریحی نیستند، بلکه بخشی از ساختار زندگی روزمره شهروندان محسوب می‌شوند و می‌توانند در ارتقای سلامت روانی، افزایش تعاملات اجتماعی، تقویت حس آرامش، بهبود کیفیت محیط و شکل‌گیری سرزندگی شهری نقش مؤثری داشته باشند. نزدیکی پارک‌های محله‌ای به محل سکونت شهروندان و امکان استفاده مکرر از آن‌ها باعث می‌شود این فضاها بیش از بسیاری از فضاهای عمومی دیگر با تجربه روزمره، رضایت محیطی و کیفیت زندگی ساکنان پیوند پیدا کنند.

با این حال، اثرگذاری فضاهای سبز شهری صرفاً به وجود یا میزان مساحت آن‌ها وابسته نیست، بلکه کیفیت این فضاها نقش تعیین‌کننده‌تری در تجربه کاربران دارد. یک پارک شهری زمانی می‌تواند به افزایش سرزندگی و بهبود کیفیت زندگی کمک کند که از نظر کالبدی، عملکردی، اجتماعی، حسی و ایمنی واجد شرایط مطلوب باشد. عواملی مانند دسترسی‌پذیری، کیفیت مسیرها، مبلمان شهری، پوشش گیاهی، امکانات تفریحی، روشنایی، پاکیزگی، زیبایی منظر، آرامش محیطی، احساس امنیت و امکان تعامل اجتماعی، همگی در نحوه ادراک و استفاده شهروندان از پارک‌ها اثرگذارند. از این منظر، ارزیابی فضاهای سبز شهری باید از نگاه صرفاً کالبدی و تجهیزاتی فراتر رود و مجموعه‌ای از مؤلفه‌های محیطی، رفتاری، ادراکی و عاطفی را در بر گیرد.

در این میان، دو مفهوم «سرزندگی» و «کیفیت زندگی» از مهم‌ترین شاخص‌هایی هستند که می‌توانند میزان موفقیت فضاهای سبز شهری را در پاسخ‌گویی به نیازهای کاربران نشان دهند. سرزندگی در فضاهای عمومی زمانی شکل می‌گیرد که فضا بتواند زمینه حضور، حرکت، مکث، گفت‌وگو، تعامل اجتماعی، فعالیت جمعی و احساس تعلق را فراهم کند. از سوی دیگر، کیفیت زندگی شهری با میزان رضایت افراد از محیط زندگی، آرامش روانی، امنیت، دسترسی به امکانات، روابط اجتماعی و کیفیت تجربه روزمره آنان ارتباط دارد. بنابراین، پارک‌های شهری در صورتی می‌توانند در ارتقای کیفیت زندگی مؤثر باشند که علاوه بر پاسخ‌گویی به نیازهای عملکردی، تجربه‌ای مطلوب، ایمن، زیبا، آرام و اجتماعی برای کاربران ایجاد کنند.

مرور پژوهش‌ها نشان می‌دهد بسیاری از مطالعات، فضاهای سبز را بیشتر از منظر دسترسی، سرانه یا ویژگی‌های کالبدی بررسی کرده‌اند؛ در حالی که ادراکات حسی، کنش‌های اجتماعی و تجربه زیسته کاربران نیز در فهم اثر واقعی پارک‌ها نقش تعیین‌کننده دارند. از این منظر، تجربه زیسته کاربران اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. کاربران پارک‌ها فضا را تنها از طریق عناصر قابل مشاهده و قابل اندازه‌گیری ارزیابی نمی‌کنند، بلکه آن را از طریق دیدن، شنیدن، مکث کردن، حرکت کردن، تعامل با دیگران، احساس آرامش، خاطره‌مندی و امنیت ادراک می‌کنند. به همین دلیل، تحلیل نقش فضاهای سبز در سرزندگی و کیفیت زندگی نیازمند ترکیب دو سطح شناخت است: نخست، سنجش کمی رابطه میان مؤلفه‌های کیفیت فضای سبز و شاخص‌های سرزندگی و کیفیت زندگی؛ دوم، تفسیر کیفی این رابطه بر اساس تجربه کاربران، مشاهده میدانی

و تحلیل مضمون. چنین رویکردی می‌تواند نشان دهد که اعداد و ضرایب آماری چگونه در واقعیت زندگی روزمره کاربران معنا پیدا می‌کنند.

شهر پیرانشهر به‌عنوان یکی از شهرهای در حال توسعه، دارای فضاهای سبز و پارک‌هایی است که در بخش‌های مختلف شهر قرار گرفته‌اند و هر یک از نظر ویژگی‌های کالبدی، عملکردی، اجتماعی و ادراکی شرایط متفاوتی دارند. پارک‌های خیام، نیلوفر، لاله و فرهنگ از جمله فضاهای سبز مهم شهر هستند که از نظر موقعیت شهری، امکانات، میزان حضورپذیری، نوع استفاده کاربران و نقش اجتماعی با یکدیگر تفاوت دارند. این تفاوت‌ها می‌تواند بر میزان استفاده شهروندان، احساس سرزندگی، تجربه حسی و ارزیابی آنان از کیفیت زندگی اثرگذار باشد. از این رو، بررسی تطبیقی این پارک‌ها می‌تواند نشان دهد که کدام مؤلفه‌های کیفیت محیطی بیشترین نقش را در ارتقای سرزندگی و کیفیت زندگی دارند و الگوی اثرگذاری این مؤلفه‌ها در پارک‌های مختلف تا چه اندازه مشابه یا متفاوت است.

بر این اساس، پژوهش حاضر با رویکرد آمیخته کمی–کیفی، اثر پنج مؤلفه کیفیت فضای سبز شامل کیفیت کالبدی–فضایی، قابلیت‌های عملکردی، کنش‌های اجتماعی، ادراکات حسی و ایمنی را بر سرزندگی و کیفیت زندگی کاربران چهار پارک منتخب پیرانشهر بررسی می‌کند.

هدف اصلی پژوهش، تبیین نقش کیفیت فضاهای سبز شهری در ارتقای سرزندگی و کیفیت زندگی ساکنان و شناسایی مؤثرترین مؤلفه‌های کالبدی، عملکردی، اجتماعی، حسی و ایمنی در این فرایند است. همچنین پژوهش حاضر می‌کوشد تفاوت‌های موجود میان پارک‌های منتخب پیرانشهر را از نظر الگوی اثرگذاری مؤلفه‌های کیفیت محیطی بررسی کند و نشان دهد که چگونه ویژگی‌های خاص هر پارک می‌تواند تجربه کاربران از فضا را شکل دهد.

در راستای این هدف، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر است:

۱. وضعیت مؤلفه‌های کیفیت فضاهای سبز شهری در پارک‌های منتخب شهر پیرانشهر چگونه است؟

۲. کدام‌یک از مؤلفه‌های کیفیت فضای سبز، بیشترین اثر را بر کیفیت زندگی ساکنان دارند؟

۳. کدام‌یک از مؤلفه‌های کیفیت فضای سبز، بیشترین نقش را در شکل‌گیری سرزندگی کاربران ایفا می‌کنند؟

پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، فضاهای سبز شهری به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم کیفیت محیط شهری، از منظرهای مختلفی مانند سلامت روان، کیفیت زندگی، سرزندگی، تعاملات اجتماعی، ادراکات حسی، عدالت فضایی و کیفیت کالبدی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته‌اند. در رویکردهای جدید، فضای سبز صرفاً به‌عنوان سطحی از پوشش گیاهی یا مکانی برای گذران اوقات فراغت در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه به‌عنوان بخشی از تجربه روزمره شهروندان تحلیل می‌شود؛ تجربه‌ای که در آن کیفیت منظر، آرامش محیطی، حضور اجتماعی، احساس امنیت، امکان مکث و قابلیت استفاده برای گروه‌های مختلف نقش تعیین‌کننده دارد. بر این اساس، مرور پیشینه پژوهش حاضر در چند محور اصلی شامل رابطه فضاهای سبز شهری و کیفیت

زندگی، نقش فضاهای سبز در سرزندگی و تعاملات اجتماعی، اهمیت ادراکات حسی و تجربه زیسته کاربران، و کیفیت کالبدی، عملکردی و ایمنی پارک‌های شهری سازمان‌دهی می‌شود.

فضاهای سبز شهری و کیفیت زندگی

مطالعات پیشین نشان می‌دهد که فضاهای سبز شهری نقش مهمی در ارتقای کیفیت زندگی، سلامت روان و رفاه شهروندان دارند. لام [۱] بیان می‌کند که دسترسی به فضاهای سبز باکیفیت می‌تواند سلامت روانی، حس تعلق اجتماعی و رضایت از محیط زندگی را تقویت کند. همچنین جبار و همکاران [۲] و سلانون و چوانگچای [3-4] نشان داده‌اند که این فضاها از طریق افزایش فعالیت بدنی، کاهش فشار روانی و تقویت مشارکت و تعاملات اجتماعی، در بهبود رفاه انسانی و کیفیت زندگی نقش مؤثری دارند. در مطالعات داخلی نیز کیخائی [۵] نشان داد که فضاهای سبز کوچک و محله‌ای می‌توانند با کاهش تنش روانی، تقویت حس تعلق و افزایش تعاملات اجتماعی، کیفیت زندگی ساکنان را ارتقا دهند. همچنین جنادله [۶] تأکید می‌کند که بوستان‌های شهری تنها فضاهایی برای گذران اوقات فراغت نیستند، بلکه بر ابعاد مختلف کیفیت زندگی، از جمله امنیت، رضایت محیطی، تعامل اجتماعی و سلامت روان نیز تأثیرگذارند. در مجموع، این پژوهش‌ها کیفیت زندگی را نتیجه تعامل میان انسان، محیط و تجربه اجتماعی فضا می‌دانند.

فضاهای سبز، سرزندگی و تعاملات اجتماعی

مطالعات پیشین نشان می‌دهد که فضاهای سبز شهری نقش مهمی در شکل‌گیری سرزندگی و تعاملات اجتماعی دارند. سرزندگی زمانی ایجاد می‌شود که فضا امکان حضور، گفت‌وگو، فعالیت‌های جمعی و تعاملات اجتماعی را برای گروه‌های مختلف فراهم کند. کاردینالی و همکاران [۷] نشان دادند که دسترسی‌پذیری، پیوستگی فضایی و تنوع کاربری می‌تواند انسجام اجتماعی و سلامت روان را تقویت کند. همچنین رابرتز و همکاران [۸] بیان کردند که کیفیت نگهداری و امکانات مناسب پارک‌ها با افزایش رضایت و استفاده کاربران ارتباط مستقیم دارد. در مطالعات داخلی نیز لطیفی و سجادزاده [۹] نشان دادند که کیفیت کالبدی، امکانات محیطی و تنوع فعالیت‌ها بر نوع حضور و رفتار کاربران در پارک تأثیر می‌گذارد و هرچه فضا فرصت بیشتری برای تعامل و حضور مستمر فراهم کند، سرزندگی آن افزایش می‌یابد. همچنین صفایی‌رینه، پوراحمد و زنگنه‌شهرکی [۱۰] و کرمی و همکاران [۱۱] تأکید کردند که سرزندگی به حضور انسان، پویایی، تنوع فعالیت‌ها و کیفیت فضایی وابسته است و عواملی مانند دسترسی‌پذیری، خوانایی و راحتی محیط می‌توانند در ارتقای آن نقش مؤثری داشته باشند.

ادراکات حسی و تجربه زیسته کاربران از فضا

مطالعات جدید بر اهمیت ادراکات حسی و تجربه زیسته کاربران از فضاهای سبز شهری تأکید دارند و این فضاها را محیط‌هایی تجربه‌پذیر و چندحسی می‌دانند. لی و همکاران [۱۲] نشان دادند که عناصر طبیعی دیداری و شنیداری مانند درختان، آب و صداهای طبیعی می‌توانند آرامش، مطلوبیت فضا و بازسازی روانی کاربران را افزایش دهند. همچنین یاکینلار و آکپینار [۱۳] بیان کردند که ویژگی‌هایی مانند آرامش، طبیعی بودن و تنوع فضایی در کاهش استرس و ارتقای سلامت

ذهنی مؤثر هستند. رضیانو [۱۴] با رویکرد پدیدارشناختی تأکید می‌کند که فضا از طریق تجربه و تفسیر کاربران معنا می‌یابد. در مطالعات داخلی نیز زنگنه و کشمیری [۱۵] و شکوهی دولت‌آبادی و زارعی [۱۶] نشان دادند که کیفیت محیط شهری حاصل مجموعه‌ای از ادراکات دیداری، شنیداری، بویایی و لمسی است و تجربه کاربران از پارک‌ها را باید فراتر از ویژگی‌های کالبدی تحلیل کرد. همچنین روستا، شعله و امیری [۱۷] بیان کردند که حواس بویایی و چشایی نیز در شکل‌گیری هویت فضایی، خاطره‌مندی و دلبستگی به مکان نقش دارند؛ به‌گونه‌ای که عناصری مانند رایحه گیاهان، صدای آب و کیفیت هوای محیط می‌توانند تجربه حضور در پارک و تمایل به استفاده مجدد از آن را تقویت کنند.

کیفیت کالبدی، عملکردی و ایمنی پارک‌های شهری

کیفیت کالبدی، عملکردی و ایمنی از عوامل مهم در ارزیابی فضاهای سبز شهری محسوب می‌شوند و می‌توانند زمینه حضور، تعامل و تجربه مطلوب کاربران را فراهم کنند. نوبل و همکاران [۱۸] با معرفی ابزار ارزیابی RECITAL نشان دادند که کیفیت فضای سبز مفهومی چندبعدی است و عواملی مانند دسترسی، امکانات، ایمنی، کیفیت نگهداری و ظرفیت استفاده اجتماعی را در بر می‌گیرد. در مطالعات داخلی، حسینی‌مند و همکاران [۱۹] نشان دادند که مؤلفه‌هایی مانند قابلیت استفاده، دسترسی، آرامش و گشودگی فضا بر رضایتمندی و سرزندگی ساکنان تأثیرگذار هستند. همچنین رسولی، درخشنده و میرکاظمی [۲۰] بر ضرورت توسعه فضاهای سبز متناسب با نیازهای شهروندان، گروه‌های سنی مختلف و الگوهای استفاده تأکید کردند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که کیفیت کالبدی و عملکردی، در کنار ابعاد ادراکی و اجتماعی، نقش مهمی در ارتقای کیفیت فضاهای سبز شهری دارد.

جمع‌بندی پیشینه و شکاف پژوهشی

جمع‌بندی مطالعات پیشین نشان می‌دهد که نقش فضاهای سبز شهری در ارتقای سلامت روان، کیفیت زندگی، تعاملات اجتماعی و سرزندگی به‌خوبی مورد تأیید قرار گرفته است. با این حال، بیشتر پژوهش‌ها بر شاخص‌های کالبدی و دسترسی متمرکز بوده و کمتر به بررسی هم‌زمان تجربه زیسته کاربران، ادراکات حسی، کنش‌های اجتماعی و احساس ایمنی پرداخته‌اند. همچنین، مطالعات مرتبط با تجربه حسی و زیسته کاربران، کمتر به سنجش کمی تأثیر مؤلفه‌های کیفیت فضای سبز بر سرزندگی و کیفیت زندگی توجه کرده‌اند. بنابراین، خلأ اصلی در ادبیات موجود، نبود رویکردی تلفیقی برای بررسی هم‌زمان ابعاد کمی و کیفی کیفیت فضای سبز است. پژوهش حاضر با تمرکز بر مؤلفه‌های کیفیت کالبدی–فضایی، قابلیت‌های عملکردی، کنش‌های اجتماعی، ادراکات حسی و ایمنی در پارک‌های شهر پیرانشهر، می‌کوشد این شکاف را پوشش دهد و با ترکیب تحلیل‌های آماری و داده‌های کیفی، درک جامع‌تری از نقش فضاهای سبز در ارتقای سرزندگی و کیفیت زندگی شهروندان ارائه کند.

مبانی نظری

فضاهای سبز شهری از عناصر مهم کیفیت محیط شهری هستند و نقش آن‌ها فراتر از تأمین فضای تفریحی و افزایش پوشش گیاهی است. این فضاها بخشی از زندگی روزمره شهروندان محسوب می‌شوند و می‌توانند بر آرامش روانی، تعاملات اجتماعی، احساس امنیت، سرزندگی و کیفیت زندگی تأثیر بگذارند. از منظر نظری، فضای سبز شهری محیطی چندبعدی

است که در آن ویژگی‌های کالبدی، عملکردی، اجتماعی، حسی و ادراکی در کنار یکدیگر تجربه کاربران را شکل می‌دهند [۲،۳]. ازاین‌رو، کیفیت یک پارک تنها با شاخص‌هایی مانند مساحت، تعداد تجهیزات یا میزان پوشش گیاهی سنجیده نمی‌شود، بلکه به نحوه استفاده و تجربه کاربران، میزان حضور، نوع فعالیت‌ها و احساس آرامش، امنیت و مطلوبیت فضا نیز وابسته است [۱۸]. در رویکردهای جدید برنامه‌ریزی و طراحی شهری، فضاهای سبز به‌عنوان محیط‌هایی تجربه‌شونده در نظر گرفته می‌شوند که کاربران از طریق حضور، حرکت، مکث، تعامل و ادراک حسی به آن‌ها معنا می‌بخشند. همچنین، رویکرد پدیدارشناختی تأکید می‌کند که درک کیفیت محیطی بدون توجه به تجربه زیسته و ادراک کاربران امکان‌پذیر نیست [۱۴]. این دیدگاه مبنای پژوهش حاضر را نیز تشکیل می‌دهد و بر ضرورت توجه هم‌زمان به سنجش کمی مؤلفه‌های کیفیت فضای سبز و تفسیر کیفی تجربه کاربران تأکید دارد.

یکی از ابعاد اصلی کیفیت فضای سبز، کیفیت کالبدی–فضایی است که شامل ویژگی‌هایی مانند دسترسی‌پذیری، کیفیت مسیرها، مبلمان شهری، روشنایی، پاکیزگی، پوشش گیاهی و آسایش محیطی می‌شود. این مؤلفه زمینه اولیه حضور و استفاده از پارک را فراهم می‌کند، اما به‌تنهایی تضمین‌کننده سرزندگی و کیفیت زندگی نیست و زمانی اثرگذار خواهد بود که شرایط لازم برای تعامل، مکث، آرامش و تجربه مطلوب کاربران را ایجاد کند. پژوهش‌های پیشین نیز نشان داده‌اند که کیفیت محیطی پارک‌ها بر الگوهای رفتاری کاربران تأثیر داشته و ارزیابی فضای سبز باید ابعاد کالبدی، عملکردی، اجتماعی و ایمنی را به‌صورت هم‌زمان در بر گیرد [۹،۱۸].

بعد دیگر، قابلیت‌های عملکردی فضا است که به میزان پاسخ‌گویی پارک به نیازهای متنوع کاربران اشاره دارد. وجود فضاهای بازی، مسیرهای پیاده‌روی، فضاهای نشستن، امکانات ورزشی و خدمات رفاهی از مهم‌ترین شاخص‌های عملکردی پارک‌های شهری محسوب می‌شوند. این مؤلفه زمانی اهمیت می‌یابد که فضا بتواند برای گروه‌های سنی مختلف امکان استفاده متنوع و مستمر را فراهم سازد. در این زمینه، حسینی‌مند و همکاران [۱۹] نشان دادند که قابلیت استفاده، دسترسی و آرامش فضا از عوامل مؤثر بر رضایتمندی و سرزندگی کاربران است؛ بنابراین، پارک‌هایی که از تنوع عملکردی بیشتری برخوردارند، ظرفیت بالاتری برای حضورپذیری، تعامل اجتماعی و شکل‌گیری سرزندگی دارند.

بعد سوم کیفیت فضای سبز، کنش‌های اجتماعی است. پارک‌های شهری زمانی به فضاهایی زنده و پویا تبدیل می‌شوند که امکان حضور گروه‌های مختلف، گفت‌وگو، دورهمی‌های خانوادگی، بازی کودکان و فعالیت‌های جمعی را فراهم کنند. از آنجا که سرزندگی بدون حضور انسان و تعاملات اجتماعی معنا ندارد، کنش‌های اجتماعی یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری آن به شمار می‌روند. مطالعات کاردینالی و همکاران [۷] نشان می‌دهد که فضاهای سبز از طریق تقویت انسجام اجتماعی و حضور روزمره می‌توانند بر سلامت روان و کیفیت زندگی اثرگذار باشند. همچنین صفایی‌رینه، پوراحمد و زنگنه‌شهرکی [۱۰] سرزندگی را وابسته به حضورپذیری، پویایی و تنوع فعالیت‌ها در فضاهای عمومی می‌دانند. بنابراین، کنش‌های اجتماعی را می‌توان حلقه ارتباطی میان کیفیت محیطی فضا و احساس تعلق، رضایت و کیفیت زندگی کاربران دانست.

بعد چهارم، ادراکات حسی و عاطفی کاربران از فضای سبز است. کاربران فضا را تنها بر اساس امکانات فیزیکی ارزیابی نمی‌کنند، بلکه کیفیت منظر، نور، سایه، صدای آب و پرندگان، رایحه گیاهان، آرامش محیطی و دلپذیری کلی فضا نیز بر تجربه آن‌ها تأثیر می‌گذارد. این ادراکات می‌توانند موجب کاهش استرس، افزایش آرامش، رضایت از محیط و تمایل به

حضور مجدد شوند. لی و همکاران [۱۲] نشان دادند که محیط‌های دیداری و شنیداری پارک‌ها بر وضعیت عاطفی و ادراک ترمیم‌کنندگی کاربران اثرگذارند و یاکینلار و آکپینار [۱۳] نیز رابطه میان ابعاد حسی فضاهای سبز با کاهش استرس و سلامت ذهنی را تأیید کردند. همچنین زنگنه و کشمیری [۱۵] و شکوهی دولت‌آبادی و زارعی [۱۶] بر اهمیت غنای حسی و تجربه چندحسی در درک کیفیت محیطی فضاهای شهری تأکید کرده‌اند. از این رو، تجربه حسی یکی از مهم‌ترین مسیرهای تأثیرگذاری فضاهای سبز بر سرزندگی و کیفیت زندگی محسوب می‌شود.

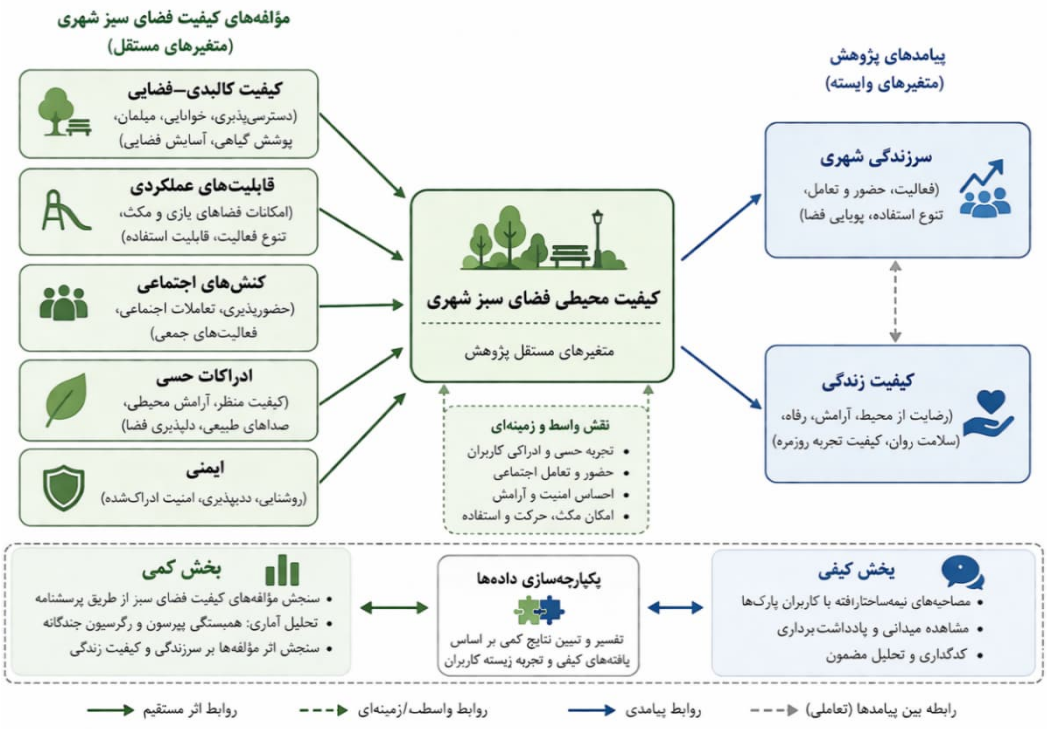
بعد پنجم کیفیت فضای سبز، ایمنی و امنیت ادراک‌شده است. استفاده مطلوب از پارک‌های شهری تا حد زیادی به احساس امنیت کاربران وابسته است. عواملی مانند روشنایی مناسب، دیدپذیری، حضور سایر افراد، کیفیت نگهداری و نظارت طبیعی می‌توانند احساس امنیت را افزایش دهند، در حالی که تاریکی، فضاهای متروک و ضعف نگهداری مانع حضور و استفاده از فضا می‌شوند. رابرتز و همکاران [۸] نیز نشان دادند که کیفیت نگهداری و نشانه‌های بی‌نظمی محیطی بر رضایت و میزان استفاده کاربران از پارک‌ها تأثیرگذار است. بنابراین، ایمنی در این پژوهش تنها به معنای نبود خطر فیزیکی نیست، بلکه بخشی از تجربه ادراکی و ذهنی کاربران از فضای سبز به شمار می‌رود.

در ارتباط با متغیرهای وابسته پژوهش، سرزندگی یکی از مهم‌ترین کیفیت‌های فضاهای عمومی شهری است و زمانی شکل می‌گیرد که فضا زمینه حضور فعال کاربران، تنوع فعالیت‌ها، تعامل اجتماعی، حرکت و پویایی را فراهم کند. سرزندگی حاصل تعامل میان فضا، فعالیت و کاربران است و تنها به ویژگی‌های کالبدی وابسته نیست. کرمی و همکاران [۱۱] نشان دادند که عواملی مانند دسترسی‌پذیری، خوانایی، راحتی و تنوع حرکت در شکل‌گیری سرزندگی نقش دارند و امیدوار، شیعه و دهقان توران‌پشتی [۲۱] نیز سرزندگی شهری را نتیجه ترکیب مؤلفه‌های کالبدی، عملکردی، اجتماعی و ادراکی می‌دانند.

کیفیت زندگی نیز مفهومی چندبعدی است که با رضایت از محیط زندگی، سلامت روان، احساس امنیت، روابط اجتماعی و کیفیت تجربه روزمره ارتباط دارد. فضاهای سبز شهری می‌توانند از طریق ایجاد فرصت برای استراحت، تفریح، تعامل اجتماعی و تماس با طبیعت، کیفیت زندگی شهروندان را ارتقا دهند. در این زمینه، جنادله [۶] نشان داد که بوستان‌های شهری با تقویت تعاملات اجتماعی، احساس امنیت و سلامت روان بر کیفیت زندگی اثرگذار هستند. همچنین شو و همکاران [۴] تأکید می‌کنند که کیفیت فضای سبز و نحوه نگهداری آن با سلامت روان و رفاه ذهنی کاربران ارتباط مستقیم دارد.

بر اساس مبانی نظری پژوهش، رابطه میان کیفیت فضای سبز، سرزندگی و کیفیت زندگی را می‌توان به‌صورت یک فرایند چندمرحله‌ای تبیین کرد. در این فرایند، کیفیت کالبدی–فضایی و قابلیت‌های عملکردی، بستر اولیه حضور و استفاده از فضا را فراهم می‌کنند. سپس ادراکات حسی و کنش‌های اجتماعی، تجربه کاربران را عمیق‌تر کرده و موجب افزایش آرامش، رضایت، حضورپذیری و تعامل می‌شوند. ایمنی نیز به‌عنوان یک شرط زمینه‌ای، امکان تداوم حضور و استفاده از فضا را تقویت یا تضعیف می‌کند. در نهایت، ترکیب این مؤلفه‌ها می‌تواند به افزایش سرزندگی و ارتقای کیفیت زندگی کاربران منجر شود. در پژوهش حاضر، این رابطه در دو سطح کمی و کیفی بررسی می‌شود. در سطح کمی، اثر مؤلفه‌های کیفیت فضای سبز شامل کیفیت کالبدی–فضایی، قابلیت‌های عملکردی، کنش‌های اجتماعی، ادراکات حسی و ایمنی بر دو متغیر سرزندگی و کیفیت زندگی از طریق پرسشنامه، همبستگی و رگرسیون چندگانه سنجیده می‌شود. در سطح کیفی، چگونگی تجربه و تفسیر این مؤلفه‌ها از دید کاربران، از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، مشاهده میدانی، کدگذاری و تحلیل مضمون بررسی می‌شود. بنابراین، مدل مفهومی پژوهش بر این فرض استوار است که فضاهای سبز شهری زمانی می‌توانند

در ارتقای سرزندگی و کیفیت زندگی نقش مؤثری داشته باشند که علاوه بر برخورداری از کیفیت کالبدی و عملکردی، واجد تجربه حسی مطلوب، حضورپذیری اجتماعی و امنیت ادراک‌شده باشند. در این مدل، مؤلفه‌های کیفیت محیطی فضای سبز شامل کیفیت کالبدی–فضایی، قابلیت‌های عملکردی، کنش‌های اجتماعی، ادراکات حسی و ایمنی به‌عنوان عوامل اثرگذار بر سرزندگی و کیفیت زندگی در نظر گرفته شده‌اند. بخش کمی مدل، رابطه میان متغیرها را می‌سنجد و بخش کیفی مدل، چگونگی تجربه و تفسیر این رابطه را از دید کاربران و بر اساس مشاهده میدانی توضیح می‌دهد.



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش با رویکرد آمیخته کمی–کیفی،

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی–تحلیلی است و با رویکرد آمیخته کمی–کیفی و طرح تبیینی انجام شده است .در این طرح، ابتدا داده‌های کمی از طریق پرسشنامه گردآوری و با آمار توصیفی، همبستگی و رگرسیون تحلیل شدند و سپس داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، مشاهده میدانی و یادداشت‌برداری تفسیری برای توضیح و تفسیر عمیق‌تر یافته‌های کمی به کار رفتند .بنابراین، بخش کیفی پژوهش با هدف نظریه‌پردازی مستقل طراحی نشده، بلکه نقش تکمیلی و تبیینی نسبت به الگوهای آماری مشاهده‌شده داشته است.

در بخش کمی پژوهش، مؤلفه‌های کیفیت محیطی فضای سبز شامل کیفیت کالبدی–فضایی، قابلیت‌های عملکردی، کنش‌های اجتماعی، ادراکات حسی و ایمنی به‌عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شدند و دو متغیر سرزندگی و کیفیت زندگی به‌عنوان متغیرهای وابسته مورد سنجش قرار گرفتند. در این بخش، هدف اصلی آن بود که مشخص شود هر یک از

مؤلفه‌های کیفیت فضای سبز چه میزان با سرزندگی و کیفیت زندگی ارتباط دارد و کدام‌یک از این مؤلفه‌ها قدرت تبیین‌کنندگی بیشتری دارند.

در بخش کیفی پژوهش، هدف اصلی تبیین یافته‌های آماری و فهم عمیق‌تر تجربه کاربران از فضاهای سبز مورد مطالعه بود. به همین منظور، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته کوتاه با کاربران پارک‌ها انجام شد و هم‌زمان مشاهده میدانی پژوهشگر از الگوهای حضور، مکث، تعامل اجتماعی، استفاده از امکانات، احساس امنیت و کیفیت تجربه حسی کاربران ثبت گردید. داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه و مشاهده، با روش کدگذاری و تحلیل مضمون بررسی شدند تا مشخص شود مؤلفه‌های کمی پژوهش چگونه در تجربه واقعی کاربران معنا پیدا می‌کنند.

محدوده مورد مطالعه و معرفی پارک‌های منتخب

محدوده مورد مطالعه این پژوهش، شهر پیرانشهر و چهار فضای سبز شهری منتخب آن شامل پارک‌های خیام، نیلوفر، لاله و فرهنگ است .انتخاب پیرانشهر به دلیل جایگاه آن به‌عنوان شهری متوسط و در حال توسعه، نقش رو به افزایش فضاهای سبز در زندگی روزمره شهروندان و کمبود مطالعات تجربی درباره کیفیت ادراکی و اجتماعی پارک‌های این شهر انجام شد . چهار پارک مورد مطالعه نیز بر اساس چند معیار عینی انتخاب شدند :قرارگیری در نواحی متفاوت شهر، تفاوت در مقیاس و نقش عملکردی، تنوع امکانات و گروه‌های استفاده‌کننده، میزان حضورپذیری و امکان مقایسه میان پارک‌های دارای نقش محله‌ای، شهری، خانوادگی و فرهنگی .بر این اساس، هدف از انتخاب این پارک‌ها تعمیم آماری نتایج به همه فضاهای سبز شهر نبود، بلکه فراهم کردن زمینه‌ای برای تحلیل تطبیقی کیفیت محیطی، سرزندگی و کیفیت زندگی در نمونه‌هایی با ویژگی‌های متفاوت بود. پارک نیلوفر به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین و پرمراجعه‌ترین پارک‌های شهر، به دلیل برخورداری از امکانات متنوع، نقش تفریحی، خانوادگی و فرامنطقه‌ای دارد .پارک فرهنگ بیشتر به‌عنوان فضایی برای دورهمی‌های اجتماعی، حضور شبانه و تعاملات روزمره شهروندان شناخته می‌شود .پارک خیام به دلیل قرارگیری در بافت شهری و مجاورت با کارکردهای فرهنگی، واجد نقش محله‌ای و فرهنگی است .پارک لاله نیز به دلیل وجود آلاچیق‌ها، فضاهای نشستن و نقش محله‌ای، بیشتر با حضور خانوادگی، مکث و تعاملات همسایگی پیوند دارد .این تفاوت‌های کالبدی، عملکردی و اجتماعی، مبنای انتخاب چهار پارک و تفسیر تطبیقی یافته‌ها بوده است .مشخصات کلی پارک‌های مورد مطالعه در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: مشخصات و ویژگی‌های کلی پارک‌های مورد مطالعه در شهر پیرانشهر

نام پارک	موقعیت شهری	قدمت و مقیاس	الگوی سایت‌پلان و سازمان فضایی	عناصر و تجهیزات شاخص	نوع فعالیت‌ها و گروه‌های استفاده‌کننده	نقش در سرزندگی و کیفیت زندگی
پارک نیلوفر	ورودی اصلی شهر پیرانشهر	قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین پارک شهر؛ دارای مقیاس شهری و فرامنطقه‌ای	ساختار باز و گسترده با مسیرهای دسترسی چندگانه، فضاهای متنوع برای حرکت، مکث و فعالیت	غرفه محصولات صنایع‌دستی، شهربازی، کافی‌شاپ، آلاچیق‌های نشستن، سرویس بهداشتی، یادمان شهدا، فضاهای سبز وسیع	استفاده تفریحی، گردشگری و خانوادگی؛ مورد استفاده خانواده‌ها، کودکان، گردشگران، مسافران و شهروندان	به دلیل وسعت، تنوع فعالیت‌ها و قرارگیری در ورودی شهر، نقش مهمی در جذب جمعیت، افزایش پویایی فضایی، تقویت تعامل اجتماعی و ارتقای هویت شهری دارد.

پارک لاله	ورودی شهرک مسکونی / یکی از نواحی شهری پیرانشهر	نسبتاً جدیدتر؛ دارای مقیاس محله‌ای	ورودی دعوت‌پذیر، مسیرهای قابل استفاده و فضاهای مناسب برای توقف، نشستن و استراحت	آلاچیق‌های متعدد، سکوهای نشستن، فضاهای مکث، فضای سبز محله‌ای و امکانات استراحت	استراحت، تفریح خانوادگی، گذران اوقات فراغت؛ بیشتر مورد استفاده ساکنان محله و خانواده‌ها	به دلیل ورودی مناسب، آلاچیق‌ها و فضاهای نشستن، موجب افزایش حضورپذیری، مکث، تعاملات همسایگی و آسایش محیطی می‌شود.
پارک فرهنگ	بافت میانی شهر پیرانشهر	مقیاس محله‌ای–شهری	دارای مسیرهای منظم، فضای باز مرکزی، فضاهای نشستن و امکان حرکت و مکث در فضا	مبلمان شهری مناسب، نیمکت‌ها، مسیرهای پیاده‌روی، فضای سبز و فضاهای تجمع	دورهمی‌های اجتماعی، گفت‌وگو، استراحت و حضور شبانه؛ مورد استفاده جوانان، خانواده‌ها و ساکنان اطراف	به‌عنوان فضایی برای دورهمی‌های شبانه و تعاملات اجتماعی، نقش مهمی در تقویت حس تعلق، افزایش حضور اجتماعی و ارتقای سرزندگی شهری دارد.
پارک خیام	درون بافت شهری و مسکونی پیرانشهر	پارک نسبتاً قدیمی؛ دارای مقیاس محله‌ای	ساختار نسبتاً آرام و محلی با فضاهای سبز، مسیرهای پیاده‌روی و بخش‌هایی برای مکث	کتابخانه عمومی شهر، فضای سبز، مسیرهای پیاده‌روی، فضاهای نشستن و امکانات عمومی	مطالعه، پیاده‌روی، استراحت و استفاده فرهنگی؛ مورد استفاده دانش‌آموزان، دانشجویان، ساکنان محله و مراجعه‌کنندگان کتابخانه	به دلیل وجود کتابخانه عمومی، علاوه بر نقش تفریحی، واجد کارکرد فرهنگی و آموزشی است و می‌تواند در ارتقای کیفیت محیطی، آرامش ذهنی و کیفیت زندگی کاربران نقش داشته باشد.



شکل ۲: نمایی از پارک‌های منتخب مورد مطالعه در شهر پیرانشهر؛ الف) پارک نیلوفر، ب) پارک لاله، ج) پارک فرهنگ، د) پارک خیام

همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، پارک‌های مورد مطالعه از نظر موقعیت شهری، مقیاس عملکردی، نوع امکانات، الگوی استفاده و نقش اجتماعی تفاوت‌های قابل توجهی دارند. این تفاوت‌ها از آن جهت اهمیت دارد که می‌تواند در نحوه تجربه کاربران از فضا، میزان حضورپذیری، شکل‌گیری تعاملات اجتماعی، ادراکات حسی و ارزیابی آنان از کیفیت زندگی اثرگذار باشد. بنابراین، جدول ۱ تنها نقش توصیفی ندارد، بلکه زمینه لازم برای تفسیر تطبیقی یافته‌های کمی و کیفی

پژوهش را فراهم می‌کند. به بیان دیگر، تفاوت‌های کالبدی و عملکردی پارک‌ها می‌تواند توضیح‌دهنده تفاوت نتایج آماری و مضامین استخراج‌شده از مصاحبه‌ها و مشاهده میدانی باشد.

جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه در بخش کمی

جامعه آماری بخش کمی پژوهش شامل کاربران و مراجعه‌کنندگان به چهار پارک منتخب شهر پیرانشهر، یعنی پارک‌های خیام، نیلوفر، لاله و فرهنگ است .با توجه به اینکه تعداد دقیق کاربران پارک‌ها در بازه زمانی مطالعه مشخص نبود، از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد .در این روش، پرسشنامه‌ها میان افرادی توزیع شد که در زمان حضور پژوهشگر در پارک حضور داشتند و تمایل به پاسخ‌گویی داشتند .حجم نمونه بخش کمی ۲۰۰ نفر در نظر گرفته شد و برای ایجاد تعادل نسبی، پرسشنامه‌ها میان کاربران هر چهار پارک توزیع گردید .همچنین تلاش شد گردآوری داده‌ها در روزها و ساعات مختلف انجام شود تا دیدگاه گروه‌های متنوع‌تری از کاربران، از جمله جوانان، خانواده‌ها، سالمندان و استفاده‌کنندگان روزمره از پارک‌ها، در داده‌ها منعکس شود .با این حال، به دلیل غیرتصادفی بودن نمونه‌گیری، تعمیم نتایج به کل شهر و همه کاربران فضاهای سبز پیرانشهر باید با احتیاط انجام گیرد.

نمونه‌گیری و مشارکت‌کنندگان در بخش کیفی

در بخش کیفی، از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. هدف از انتخاب مشارکت‌کنندگان، دستیابی به افرادی بود که تجربه مستقیم و معناداری از استفاده از پارک‌های مورد مطالعه داشتند. بر این اساس، با تعدادی از کاربران هر پارک مصاحبه نیمه‌ساختاریافته کوتاه انجام شد. در انتخاب مشارکت‌کنندگان تلاش شد تنوع نسبی از نظر جنسیت، سن، نوع استفاده از پارک، زمان حضور و الگوی استفاده روزمره رعایت شود.

در مجموع، ۱۶ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته کوتاه انجام شد؛ به‌گونه‌ای که از هر پارک ۴ نفر از کاربران مورد مصاحبه قرار گرفتند .مصاحبه‌ها با محورهایی مانند دلیل مراجعه به پارک، احساس کاربران نسبت به فضا، کیفیت منظر و آرامش محیطی، امکان تعامل اجتماعی، احساس امنیت، میزان رضایت از امکانات و نقش پارک در کیفیت زندگی روزمره انجام شد .افزون بر مصاحبه‌ها، مشاهده میدانی در هر پارک در سه بازه زمانی صبح، عصر و شب انجام گرفت تا الگوهای حضور و استفاده کاربران در شرایط زمانی مختلف ثبت شود .با توجه به محدود بودن تعداد مصاحبه‌ها، یافته‌های کیفی به‌عنوان داده‌های مکمل و تبیینی تفسیر شدند و ادعای اشباع نظری کامل در سطح نظریه‌پردازی مستقل مطرح نشد.

ابزار گردآوری داده‌ها

ابزار گردآوری داده‌ها در بخش کمی، پرسشنامه محقق‌ساخته بود. این پرسشنامه بر اساس مبانی نظری پژوهش، مطالعات پیشین و مؤلفه‌های اصلی کیفیت محیطی فضاهای سبز شهری طراحی شد. پرسشنامه شامل چند بخش اصلی بود: بخش نخست به اطلاعات عمومی پاسخ‌گویان اختصاص داشت و بخش‌های بعدی، مؤلفه‌های کیفیت محیطی فضای سبز، سرزندگی و کیفیت زندگی را مورد سنجش قرار می‌داد. گویه‌های پرسشنامه بر اساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت تنظیم شدند؛ به‌گونه‌ای که پاسخ‌دهندگان میزان موافقت یا ارزیابی خود را در دامنه‌ای از «خیلی کم» تا «خیلی زیاد» یا «کاملاً

مخالفم» تا «کاملاً موافقم» مشخص کردند. پرسشنامه پژوهش بر اساس هفت محور اصلی تحلیلی تنظیم شده است .پنج محور نخست، مؤلفه‌های کیفیت محیطی فضای سبز شامل کیفیت کالبدی–فضایی، قابلیت‌های عملکردی، کنش‌های اجتماعی، ادراکات حسی و ایمنی را می‌سنجد و دو محور پایانی به سنجش متغیرهای وابسته، یعنی سرزندگی و کیفیت زندگی اختصاص دارد .تعداد گویه‌ها به دلیل چندبعدی بودن مدل پژوهش و ضرورت پوشش ابعاد کالبدی، عملکردی، اجتماعی، حسی، ایمنی و پیامدی تعیین شد .با این حال، برای کاهش خستگی پاسخ‌دهندگان، گویه‌ها کوتاه، روشن و بر اساس طیف لیکرت طراحی شدند و پرسشنامه پیش از اجرای اصلی از نظر فهم‌پذیری و وضوح زبانی بازبینی شد.

در بخش کیفی، ابزار گردآوری داده‌ها شامل راهنمای مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، مشاهده میدانی و یادداشت‌برداری تفسیری پژوهشگر بود. راهنمای مصاحبه شامل پرسش‌هایی درباره تجربه کاربران از فضا، عوامل مؤثر بر حضور یا عدم حضور، کیفیت حسی پارک، تعاملات اجتماعی، احساس امنیت، نقاط قوت و ضعف پارک و نقش فضای سبز در زندگی روزمره بود. مشاهده میدانی نیز با تمرکز بر الگوهای حضور، مکث، حرکت، استفاده از امکانات، تعاملات اجتماعی، فعالیت‌های جمعی و واکنش کاربران به ویژگی‌های محیطی انجام شد.

روایی و پایایی ابزار پژوهش

برای بررسی روایی ابزار پژوهش، پرسشنامه اولیه بر اساس مبانی نظری، پیشینه پژوهش و متغیرهای اصلی مطالعه تدوین شد. متغیرهای مورد سنجش شامل کیفیت کالبدی–فضایی، قابلیت‌های عملکردی، کنش‌های اجتماعی، ادراکات حسی، ایمنی، سرزندگی و کیفیت زندگی بود. گویه‌های مربوط به هر متغیر با توجه به مطالعات پیشین درباره کیفیت فضاهای سبز شهری، سرزندگی، کیفیت زندگی، ادراکات حسی و تجربه کاربران از فضا تنظیم شد. پس از تدوین نسخه اولیه، پرسشنامه در اختیار چند نفر از استادان و متخصصان حوزه شهرسازی، معماری و برنامه‌ریزی شهری قرار گرفت و روایی محتوایی آن از نظر وضوح گویه‌ها، ارتباط هر گویه با متغیر مربوط، تناسب با هدف پژوهش و قابلیت فهم برای پاسخ‌گویان بررسی شد. بر اساس نظر متخصصان، برخی گویه‌ها از نظر نگارشی و مفهومی اصلاح شدند و نسخه نهایی پرسشنامه برای گردآوری داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت.روایی محتوایی پرسشنامه از آن جهت اهمیت دارد که متغیرهای پژوهش ماهیتی چندبعدی دارند و هر یک از آن‌ها باید با مجموعه‌ای از گویه‌های مرتبط سنجیده شوند. برای مثال، کیفیت کالبدی–فضایی تنها به وضعیت فیزیکی پارک محدود نیست، بلکه عناصری مانند دسترسی‌پذیری، خوانایی، کیفیت مسیرها، مبلمان، پاکیزگی، روشنایی و آسایش فضایی را نیز در بر می‌گیرد. همچنین ادراکات حسی شامل مؤلفه‌هایی مانند زیبایی منظر، آرامش محیطی، صداهای طبیعی، رایحه، سایه، پوشش گیاهی و دلپذیری کلی فضاست. به همین ترتیب، کنش‌های اجتماعی، ایمنی، سرزندگی و کیفیت زندگی نیز با مجموعه‌ای از شاخص‌های رفتاری، ادراکی و تجربی سنجیده شدند.

برای بررسی پایایی ابزار کمی، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. آلفای کرونباخ میزان هماهنگی درونی گویه‌های مربوط به هر متغیر را نشان می‌دهد و یکی از شاخص‌های رایج برای ارزیابی پایایی پرسشنامه‌های مبتنی بر طیف لیکرت است. در این پژوهش، مقدار آلفای کرونباخ برای همه متغیرها بالاتر از ۰/۷ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی قابل قبول ابزار پژوهش است. همچنین مقدار آلفای کل پرسشنامه برابر با ۰/۹۱ محاسبه شد که بیانگر هماهنگی درونی مطلوب گویه‌های پرسشنامه در سنجش ابعاد مختلف کیفیت فضای سبز، سرزندگی و کیفیت زندگی است.

جدول ۲: پایایی متغیرهای پژوهش بر اساس ضریب آلفای کرونباخ

متغیر	تعداد گویه	آلفای کرونباخ	تفسیر پایایی
کیفیت کالبدی–فضایی	۷	۰/۸۳	مطلوب
قابلیت‌های عملکردی	۶	۰/۸۱	مطلوب
کنش‌های اجتماعی	۶	۰/۸۵	مطلوب
ادراکات حسی	۷	۰/۸۸	بسیار مطلوب
ایمنی	۵	۰/۷۹	قابل قبول
سرزندگی	۶	۰/۸۶	مطلوب
کیفیت زندگی	۶	۰/۸۹	بسیار مطلوب
کل پرسشنامه	۴۳	۰/۹۱	بسیار مطلوب

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، بیشترین مقدار آلفای کرونباخ مربوط به متغیر کیفیت زندگی با مقدار ۰/۸۹ و ادراکات حسی با مقدار ۰/۸۸ است. این موضوع نشان می‌دهد گویه‌های مربوط به این دو متغیر از هماهنگی درونی بالایی برخوردارند. این نتیجه با یافته‌های کمی پژوهش نیز همسو است؛ زیرا ادراکات حسی در تحلیل رگرسیون، قوی‌ترین پیش‌بین کیفیت زندگی و سرزندگی بوده است. همچنین پایایی مطلوب متغیر کنش‌های اجتماعی با مقدار ۰/۸۵ نشان می‌دهد گویه‌های مربوط به حضورپذیری، تعاملات اجتماعی، فعالیت‌های جمعی، گفت‌وگو و استفاده روزمره از فضا به‌صورت منسجم یک سازه واحد را اندازه‌گیری کرده‌اند.

در بخش کیفی پژوهش نیز برای افزایش اعتبار داده‌ها از چند راهبرد استفاده شد .نخست، داده‌های کیفی از دو منبع مکمل، یعنی مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و مشاهده میدانی، گردآوری شدند .دوم، کدگذاری داده‌ها با مراجعه مکرر به متن مصاحبه‌ها و یادداشت‌های میدانی انجام گرفت تا کدها و مضامین استخراج‌شده با تجربه واقعی کاربران از پارک‌ها ارتباط مستقیم داشته باشند .سوم، مضامین نهایی با یافته‌های کمی پژوهش مقایسه شدند تا مشخص شود داده‌های کیفی چگونه می‌توانند روابط آماری مشاهده‌شده را تبیین کنند .چهارم، کدها و مضامین استخراج‌شده در فرایند بازنگری مقاله به‌صورت انتقادی توسط نویسندگان بازبینی شدند .با توجه به نقش مکمل بخش کیفی، ضریب کمی پایایی بین‌کدگذاران گزارش نشد و این موضوع در بخش محدودیت‌ها مورد توجه قرار گرفت .بر این اساس، یافته‌های کیفی نقش تفسیری و تکمیلی نسبت به نتایج کمی دارند و به فهم عمیق‌تر سازوکار اثرگذاری فضاهای سبز بر سرزندگی و کیفیت زندگی کمک می‌کنند.

متغیرهای پژوهش

در پژوهش حاضر، متغیرها بر اساس مبانی نظری، پیشینه پژوهش و ساختار پرسشنامه در دو دسته اصلی شامل متغیرهای مستقل و متغیرهای وابسته تعریف شده‌اند. متغیرهای مستقل پژوهش شامل پنج مؤلفه کیفیت محیطی فضای سبز شهری هستند: کیفیت کالبدی–فضایی، قابلیت‌های عملکردی، کنش‌های اجتماعی، ادراکات حسی و ایمنی. این متغیرها ابعاد

مختلف کیفیت پارک‌های شهری را از دید کاربران نشان می‌دهند و به‌عنوان عوامل اثرگذار بر سرزندگی و کیفیت زندگی بررسی شده‌اند.

کیفیت کالبدی–فضایی به ویژگی‌هایی مانند دسترسی‌پذیری، خوانایی، کیفیت مسیرها، مبلمان شهری، پاکیزگی، روشنایی، پوشش گیاهی، سایه و آسایش فضایی اشاره دارد. قابلیت‌های عملکردی بیانگر توانایی پارک در پاسخ‌گویی به نیازهای مختلف کاربران است و مواردی مانند امکانات تفریحی، فضاهای بازی، مسیرهای پیاده‌روی، فضاهای مکث، امکانات رفاهی و قابلیت استفاده برای گروه‌های مختلف را شامل می‌شود. کنش‌های اجتماعی به میزان حضورپذیری، تعاملات اجتماعی، فعالیت‌های جمعی، گفت‌وگو، بازی کودکان و استفاده روزمره از فضا مربوط است. ادراکات حسی نیز کیفیت تجربه ادراکی و عاطفی کاربران از پارک را نشان می‌دهد و مؤلفه‌هایی مانند کیفیت منظر، آرامش محیطی، صداهای طبیعی، زیبایی بصری، رایحه، تنوع گیاهی و دلپذیری کلی فضا را در بر می‌گیرد. ایمنی نیز به احساس امنیت، روشنایی، دیدپذیری، نبود فضاهای ناامن، حضور دیگران و اطمینان کاربران در استفاده از پارک اشاره دارد.

متغیرهای وابسته پژوهش شامل سرزندگی و کیفیت زندگی هستند. سرزندگی به میزان نشاط، پویایی، حضور فعال کاربران، تنوع فعالیت‌ها، تمایل به مکث، استفاده مکرر و شکل‌گیری تعاملات اجتماعی در فضای پارک اشاره دارد. کیفیت زندگی نیز بیانگر ارزیابی کاربران از تأثیر فضای سبز بر رضایت از محیط، آرامش روانی، رفاه، امنیت، کیفیت تجربه روزمره و بهبود زندگی شهری آنان است.

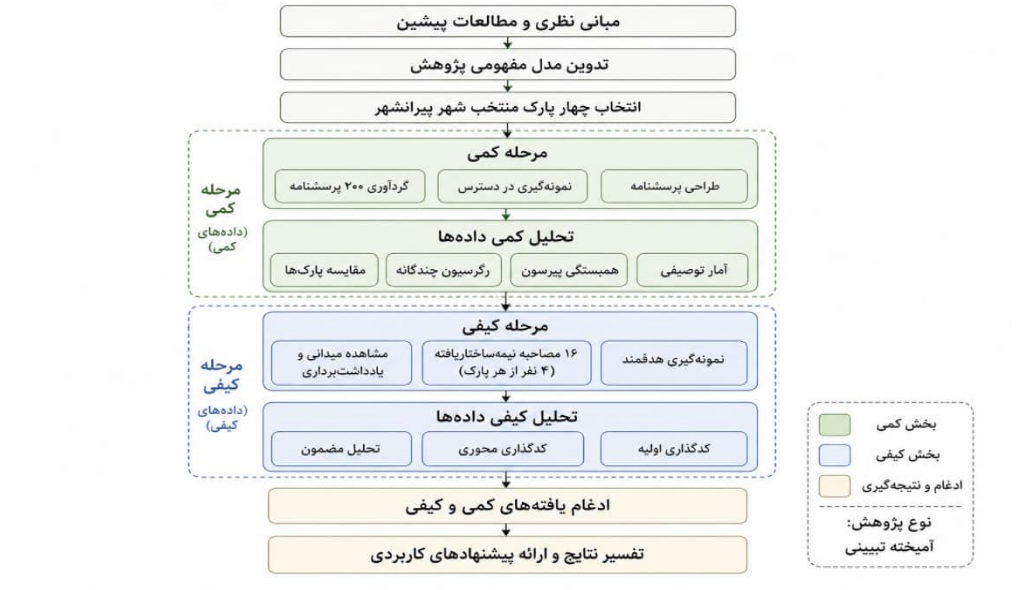
در بخش کمی پژوهش، این متغیرها از طریق گویه‌های پرسشنامه و بر اساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت سنجیده شدند و رابطه و میزان اثرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته با استفاده از همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه بررسی شد. در بخش کیفی پژوهش نیز همین متغیرها به‌عنوان محورهای اصلی مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و مشاهده میدانی مورد توجه قرار گرفتند تا مشخص شود هر یک از مؤلفه‌های کیفیت فضای سبز چگونه در تجربه زیسته کاربران معنا پیدا می‌کند. برای روشن‌تر شدن ساختار تحلیلی پژوهش، تعریف عملیاتی متغیرها در جدول زیر ارائه شده است.

روش تحلیل داده‌ها

پس از تکمیل پرسشنامه‌ها، داده‌های کمی کدگذاری و وارد نرم‌افزار آماری شدند. تحلیل داده‌های کمی در چند مرحله انجام گرفت. در مرحله نخست، از آمار توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر برای توصیف وضعیت متغیرهای پژوهش استفاده شد. این مرحله امکان شناخت وضعیت کلی مؤلفه‌های کیفیت محیطی، سرزندگی و کیفیت زندگی را در پارک‌های مورد مطالعه فراهم کرد.در مرحله دوم، برای بررسی رابطه میان مؤلفه‌های کیفیت فضای سبز و متغیرهای وابسته، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد .در مرحله سوم، برای سنجش میزان تبیین‌کنندگی هم‌زمان مؤلفه‌های کیفیت فضای سبز نسبت به کیفیت زندگی و سرزندگی، از رگرسیون چندگانه استفاده شد .در این مدل‌ها، کیفیت کالبدی–فضایی، قابلیت‌های عملکردی، کنش‌های اجتماعی، ادراکات حسی و ایمنی به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین وارد تحلیل شدند و دو متغیر کیفیت زندگی و سرزندگی به‌صورت جداگانه به‌عنوان متغیر وابسته بررسی شدند .پیش از تفسیر ضرایب رگرسیونی، شاخص‌های هم‌خطی چندگانه شامل Tolerance و VIF محاسبه شد تا پایداری ضرایب و میزان هم‌پوشانی متغیرهای پیش‌بین ارزیابی شود .سطح معناداری آزمون‌ها در این پژوهش ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.در مرحله چهارم، برای مقایسه وضعیت چهار پارک مورد مطالعه، میانگین متغیرهای پژوهش در هر پارک محاسبه و با یکدیگر مقایسه

شد .با توجه به محدود بودن حجم زیرنمونه‌ها در سطح هر پارک، تحلیل‌های تفکیکی پارک‌ها به‌عنوان تحلیل اکتشافی و تفسیری ارائه شدند و از تعمیم قطعی ضرایب زیرگروهی خودداری شد .بنابراین، مقایسه پارک‌ها بیشتر برای شناخت تفاوت‌های زمینه‌ای، کالبدی و اجتماعی و پیوند دادن یافته‌های کمی با داده‌های کیفی به کار رفت. داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، مشاهده میدانی و یادداشت‌برداری تفسیری با روش تحلیل مضمون بررسی شدند. در مرحله نخست، متن مصاحبه‌ها و یادداشت‌های میدانی چندین بار مطالعه شد و واحدهای معنایی مرتبط با تجربه کاربران از فضا استخراج گردید. در مرحله دوم، کدهای اولیه بر اساس مفاهیمی مانند آرامش محیطی، زیبایی منظر، سایه و پوشش گیاهی، امکان مکث، حضور خانوادگی، تعاملات اجتماعی، احساس امنیت، ضعف امکانات و تمایل به حضور مجدد شکل گرفتند. در مرحله سوم، کدهای اولیه در قالب مقوله‌های محوری و مضامین اصلی سازمان‌دهی شدند.

در نهایت، یافته‌های کمی و کیفی با یکدیگر ادغام و تفسیر شدند. در این مرحله، نتایج آماری حاصل از همبستگی و رگرسیون با مضامین استخراج‌شده از مصاحبه‌ها و مشاهده میدانی مقایسه شد تا مشخص شود یافته‌های کیفی چگونه می‌توانند روابط آماری مشاهده‌شده را توضیح دهند. به این ترتیب، بخش کیفی نقش تکمیلی و تبیینی نسبت به نتایج کمی داشته و امکان فهم عمیق‌تر سازوکار اثرگذاری فضاهای سبز بر سرزندگی و کیفیت زندگی کاربران را فراهم کرده است.فرایند اجرایی پژوهش در شکل۳ نشان داده شده است. بر این اساس، پژوهش ابتدا با تدوین چارچوب نظری و طراحی ابزار گردآوری داده‌ها آغاز شد. سپس داده‌های کمی از طریق پرسشنامه و داده‌های کیفی از طریق مصاحبه و مشاهده میدانی گردآوری شدند. در مرحله بعد، داده‌های کمی با روش‌های آماری و داده‌های کیفی با کدگذاری و تحلیل مضمون بررسی شدند و در نهایت، یافته‌های دو بخش برای ارائه تبیین تلفیقی ادغام گردیدند.



شکل ۳: فرآیند اجرایی پژوهش

یافته‌های پژوهش

در این بخش، یافته‌های پژوهش در دو سطح کمی و کیفی ارائه می‌شود. ابتدا نتایج حاصل از تحلیل پرسشنامه‌های گردآوری‌شده از ۲۰۰ نفر از کاربران چهار پارک شهری خیام، نیلوفر، لاله و فرهنگ در شهر پیرانشهر بررسی می‌شود. در این بخش، نقش مؤلفه‌های کیفیت فضای سبز شامل کیفیت کالبدی–فضایی، قابلیت‌های عملکردی، کنش‌های اجتماعی، ادراکات حسی و ایمنی در تبیین دو متغیر اصلی پژوهش، یعنی سرزندگی و کیفیت زندگی، با استفاده از آمار توصیفی، همبستگی پیرسون، رگرسیون چندگانه و مقایسه تطبیقی میان پارک‌ها تحلیل شده است. سپس یافته‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و مشاهده میدانی ارائه می‌شود تا مشخص گردد نتایج آماری چگونه در تجربه زیسته کاربران معنا پیدا می‌کند.

یافته‌های کمی پژوهش

شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

به‌منظور شناخت وضعیت کلی متغیرهای پژوهش، ابتدا شاخص‌های توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر محاسبه شد. نتایج این تحلیل در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
کیفیت زندگی ساکنان	۳.۹۲۵	۰.۸۶۹	۱	۵
کیفیت کالبدی-فضایی	۳.۵۶۲	۰.۸۵۱	۱	۵
قابلیت‌های عملکردی	۳.۴۹۹	۰.۹۵۱	۱	۵
کنش‌های اجتماعی	۳.۷۵۵	۰.۸۴۷	۱	۵
ادراکات حسی	۳.۸۸۳	۰.۸۸۷	۱	۵
ایمنی	۳.۷۰۲	۱.۱۰۷	۱	۵

بررسی شاخص‌های توصیفی نشان می‌دهد که میانگین تمامی متغیرها بالاتر از حد متوسط طیف پنج‌درجه‌ای است. در میان متغیرهای پژوهش، کیفیت زندگی ساکنان با میانگین ۳.۹۲۵ بیشترین مقدار را به خود اختصاص داده است. پس از آن، ادراکات حسی با میانگین ۳.۸۸۳ در رتبه بعدی قرار دارد. این یافته نشان می‌دهد که کاربران پارک‌های مورد مطالعه، تجربه حسی و ادراکی نسبتاً مطلوبی از فضاهای سبز شهری دارند و این تجربه می‌تواند در ارزیابی مثبت آنان از کیفیت زندگی نقش داشته باشد.

در مقابل، قابلیت‌های عملکردی با میانگین ۳.۴۹۹ پایین‌ترین مقدار را در میان متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد. این موضوع می‌تواند بیانگر ضعف نسبی امکانات، تجهیزات، فضاهای مکث، فعالیت‌های بدنی، بازی و خدمات رفاهی در پارک‌های مورد مطالعه باشد. همچنین متغیر ایمنی با انحراف معیار ۱.۱۰۷ بیشترین پراکندگی را نشان می‌دهد. این مسئله بیانگر آن است که برداشت کاربران از امنیت فضاهای سبز یکسان نیست و احتمالاً متأثر از عواملی مانند موقعیت مکانی پارک، زمان حضور، میزان روشنایی، دیدپذیری و ویژگی‌های اجتماعی محیط است.

تحلیل همبستگی میان مؤلفه‌های پژوهش

برای بررسی رابطه میان مؤلفه‌های کیفیت فضای سبز و کیفیت زندگی ساکنان، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج این تحلیل در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: ماتریس همبستگی پیرسون

متغیر	کیفیت زندگی	کیفیت کالبدی	قابلیت عملکردی	کنش اجتماعی	ادراک حسی	ایمنی
کیفیت زندگی	۱					
کیفیت کالبدی	۰.۵۸۱	۱				
قابلیت عملکردی	۰.۶۲۱	۰.۶۵۳	۱			
کنش اجتماعی	۰.۷۳۵	۰.۵۴۲	۰.۶۸۵	۱		
ادراک حسی	۰.۸۷۴	۰.۶۳۱	۰.۶۷۱	۰.۷۷۹	۱	
ایمنی	۰.۶۲۳	۰.۵۰۶	۰.۵۱۹	۰.۶۵۴	۰.۷۹۷	۱

بر اساس نتایج جدول ۸، تمامی مؤلفه‌های کیفیت فضای سبز با کیفیت زندگی ساکنان رابطه مثبت دارند. در این میان، قوی‌ترین رابطه مربوط به ادراکات حسی و کیفیت زندگی است؛ به‌گونه‌ای که ضریب همبستگی میان این دو متغیر برابر با ۰.۸۷۴ است. این یافته نشان می‌دهد که هرچه تجربه حسی کاربران از فضای سبز مطلوب‌تر باشد، ارزیابی آنان از کیفیت زندگی نیز مثبت‌تر خواهد بود.

پس از ادراکات حسی، کنش‌های اجتماعی با ضریب همبستگی ۰.۷۳۵ رابطه قابل توجهی با کیفیت زندگی دارد. این نتیجه نشان می‌دهد که حضور مردم، تعاملات اجتماعی، فعالیت‌های جمعی، گفت‌وگو، بازی کودکان و استفاده روزمره از فضا می‌توانند در ارتقای کیفیت زندگی کاربران نقش مهمی داشته باشند. همچنین رابطه نسبتاً قوی ادراکات حسی با ایمنی ۰.۷۹۷ و کنش اجتماعی ۰.۷۷۹ نشان می‌دهد که تجربه حسی مطلوب در فضاهای سبز، تنها یک تجربه فردی نیست، بلکه می‌تواند با احساس امنیت و حضورپذیری اجتماعی فضا نیز ارتباط داشته باشد.

بررسی هم‌خطی چندگانه متغیرهای پیش‌بین

با توجه به همبستگی نسبتاً بالای ادراکات حسی با ایمنی و کنش‌های اجتماعی، پیش از تفسیر مدل‌های رگرسیونی، شاخص‌های هم‌خطی چندگانه بررسی شد .نتایج نشان داد که مقدار VIF برای همه متغیرهای پیش‌بین کمتر از 5 و مقدار Tolerance بیشتر از 0.20 است؛ بنابراین هم‌خطی چندگانه در سطح بحرانی مشاهده نشد .با این حال، مقدار VIF متغیر ادراکات حسی به آستانه هشدار نزدیک است و نشان می‌دهد تفسیر ضرایب رگرسیونی، به‌ویژه درباره ادراکات حسی و ایمنی، باید با احتیاط انجام شود.

جدول ۵: شاخص‌های تشخیص هم‌خطی چندگانه متغیرهای پیش‌بین

متغیر پیش‌بین	Tolerance	VIF	تفسیر
کیفیت کالبدی–فضایی	۰/۵۰۶	۱/۹۸۰	قابل قبول
قابلیت‌های عملکردی	۰/۴۰۲	۲/۴۵۸	قابل قبول
کنش‌های اجتماعی	۰/۳۴۰	۲/۹۳۶	قابل قبول با احتیاط
ادراکات حسی	۰/۲۱۶	۴/۶۲۰	نزدیک به آستانه هشدار؛ نیازمند تفسیر محتاطانه

ایمنی	۰/۳۶۰	۲/۷۷۸	قابل قبول با احتیاط

بر این اساس، در مقاله حاضر از تفسیر قطعی ضرایب در شرایط وجود هم‌پوشانی آماری خودداری شد .به‌ویژه، ضریب منفی ایمنی در مدل کیفیت زندگی به‌عنوان اثر منفی واقعی امنیت تفسیر نمی‌شود، بلکه نشانه‌ای از هم‌پوشانی ایمنی با تجربه حسی و حضور اجتماعی در فضای پارک است.

تحلیل رگرسیون مؤلفه‌های کیفیت فضای سبز بر کیفیت زندگی ساکنان

به‌منظور سنجش میزان اثرگذاری هم‌زمان مؤلفه‌های کیفیت فضای سبز بر کیفیت زندگی ساکنان، از رگرسیون چندگانه استفاده شد. در این مدل، کیفیت زندگی ساکنان به‌عنوان متغیر وابسته و کیفیت کالبدی-فضایی، قابلیت‌های عملکردی، کنش‌های اجتماعی، ادراکات حسی و ایمنی به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین وارد مدل شدند.

جدول ۶: خلاصه مدل رگرسیون؛ متغیر وابسته: کیفیت زندگی

شاخص	مقدار
ضریب همبستگی چندگانه R	۰.۸۸۸
ضریب تعیین R^2	۰.۷۸۹
R^2 تعدیل‌شده	۰.۷۸۳
خطای استاندارد برآورد	۰.۴۰۴
F	۱۴۳.۴۴۱
سطح معناداری	۰.۰۰۰

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که مدل رگرسیون از قدرت تبیین‌کنندگی بالایی برخوردار است. مقدار ضریب تعیین برابر با ۰.۷۸۹ است؛ به این معنا که مؤلفه‌های کیفیت فضای سبز توانسته‌اند ۷۸.۹ درصد از واریانس کیفیت زندگی ساکنان را تبیین کنند. همچنین مقدار F برابر با ۱۴۳.۴۴۱ و سطح معناداری ۰.۰۰۰ نشان می‌دهد که مدل کلی رگرسیون از نظر آماری معنادار است.

جدول۷: ضرایب رگرسیون؛ متغیر وابسته: کیفیت زندگی

متغیر پیش‌بین	B	خطای استاندارد	Beta	t	Sig.
مقدار ثابت	۰.۳۹۲	۰.۱۴۶	—	۲.۶۸۱	۰.۰۰۸
کیفیت کالبدی	۰.۰۴۰	۰.۰۴۸	۰.۰۴۰	۰.۸۴۶	۰.۳۹۸
قابلیت عملکردی	-۰.۰۰۳	۰.۰۴۷	-۰.۰۰۳	-۰.۰۶۳	۰.۹۵۰
کنش اجتماعی	۰.۱۵۴	۰.۰۵۸	۰.۱۵۱	۲.۶۴۸	۰.۰۰۹
ادراک حسی	۰.۸۸۸	۰.۰۷۰	۰.۹۰۶	۱۲.۷۰۸	۰.۰۰۰
ایمنی	-۰.۱۷۰	۰.۰۴۳	-۰.۲۱۶	-۳.۹۱۰	۰.۰۰۰

بر اساس جدول ۷، ادراکات حسی با ضریب بتای ۰.۹۰۶ قوی‌ترین و معنادارترین پیش‌بین کیفیت زندگی ساکنان است. این نتیجه نشان می‌دهد که تجربه حسی کاربران از فضای سبز، شامل کیفیت منظر، زیبایی بصری، آرامش محیطی، صداهای طبیعی، رایحه‌های مطلوب و دلپذیری کلی فضا، نقش تعیین‌کننده‌ای در ارزیابی آنان از کیفیت زندگی دارد.

بنابراین، کیفیت زندگی کاربران بیش از آنکه صرفاً به وجود امکانات کالبدی وابسته باشد، تحت تأثیر نحوه ادراک و تجربه آنان از فضا قرار می‌گیرد.

کنش‌های اجتماعی نیز با ضریب بتای ۰.۱۵۱ و سطح معناداری ۰.۰۰۹، اثر مثبت و معناداری بر کیفیت زندگی نشان می‌دهد. این یافته بیانگر آن است که فضاهای سبز زمانی می‌توانند کیفیت زندگی ساکنان را ارتقا دهند که بستری برای حضور، تعامل، گفت‌وگو، ارتباطات روزمره و فعالیت‌های جمعی فراهم کنند. از این منظر، پارک‌های شهری فقط فضاهای تفریحی یا کالبدی نیستند، بلکه می‌توانند به‌عنوان عرصه‌هایی برای شکل‌گیری روابط اجتماعی و تقویت احساس تعلق به محیط عمل کنند.

در مقابل، کیفیت کالبدی–فضایی و قابلیت‌های عملکردی در این مدل اثر مستقیم و معناداری بر کیفیت زندگی نشان نداده‌اند .این موضوع به معنای بی‌اهمیت بودن عناصر کالبدی و عملکردی نیست، بلکه نشان می‌دهد اثر این مؤلفه‌ها احتمالاً به‌صورت غیرمستقیم و از طریق تقویت تجربه حسی، افزایش حضورپذیری و ایجاد زمینه برای تعاملات اجتماعی ظاهر می‌شود .همچنین ضریب منفی ایمنی در مدل رگرسیون، با وجود رابطه مثبت آن با کیفیت زندگی در ماتریس همبستگی، باید با احتیاط تفسیر شود .بر اساس شاخص‌های هم‌خطی چندگانه، ایمنی با ادراکات حسی و کنش‌های اجتماعی هم‌پوشانی آماری و مفهومی دارد و ممکن است بخشی از اثر آن در حضور این متغیرها جذب شده باشد .بنابراین، ضریب منفی ایمنی نباید به‌عنوان اثر منفی واقعی امنیت بر کیفیت زندگی برداشت شود، بلکه بیانگر نقش زمینه‌ای، وابسته و غیرمستقیم امنیت در تجربه کاربران از فضاست .این موضوع در بخش کیفی، از طریق مضامینی مانند روشنایی، دیدپذیری، حضور دیگران و احساس اطمینان در استفاده از پارک، تبیین می‌شود.

تحلیل رگرسیون مؤلفه‌های کیفیت فضای سبز بر سرزندگی

در گام بعد، اثر مؤلفه‌های کیفیت فضای سبز بر سرزندگی کاربران بررسی شد. در این مدل، سرزندگی به‌عنوان متغیر وابسته و مؤلفه‌های کیفیت کالبدی-فضایی، قابلیت‌های عملکردی، کنش‌های اجتماعی، ادراکات حسی و ایمنی به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین وارد تحلیل شدند.

جدول ۸: خلاصه مدل رگرسیون؛ متغیر وابسته: سرزندگی

شاخص	مقدار
ضریب همبستگی چندگانه R	۰.۸۲۹
ضریب تعیین R^2	۰.۶۸۸
R^2 تعدیل‌شده	۰.۶۸۰
خطای استاندارد برآورد	۰.۵۱۳
F	۸۴.۶۱۹
سطح معناداری	۰.۰۰۰

بر اساس نتایج جدول ۸، مدل رگرسیون مربوط به سرزندگی نیز از نظر آماری معنادار است. مقدار ضریب تعیین برابر با ۰.۶۸۸ است؛ به این معنا که مؤلفه‌های کیفیت فضای سبز توانسته‌اند ۶۸.۸ درصد از واریانس سرزندگی را تبیین کنند. این

مقدار نشان می‌دهد که کیفیت فضای سبز محله‌ای نقش قابل توجهی در شکل‌گیری احساس سرزندگی، پویایی و نشاط کاربران دارد.

جدول ۹: ضرایب رگرسیون؛ متغیر وابسته: سرزندگی

متغیر پیش‌بینی	B	خطای استاندارد	Beta	t	Sig.
مقدار ثابت	۰.۳۸۳	۰.۱۸۶	—	۲.۰۶۲	۰.۰۴۱
کیفیت کالبدی	۰.۰۶۳	۰.۰۶۰	۰.۰۵۹	۱.۰۴۸	۰.۲۹۶
قابلیت عملکردی	۰.۰۹۸	۰.۰۶۰	۰.۱۰۳	۱.۶۳۵	۰.۱۰۴
کنش اجتماعی	۰.۱۵۰	۰.۰۷۴	۰.۱۴۰	۲.۰۲۶	۰.۰۴۴
ادراک حسی	۰.۶۷۸	۰.۰۸۹	۰.۶۶۳	۷.۶۵۳	۰.۰۰۰
ایمنی	-۰.۰۶۸	۰.۰۵۵	-۰.۰۸۳	-۱.۲۲۸	۰.۲۲۱

مطابق جدول ۹، ادراکات حسی با ضریب بتای ۰.۶۶۳ مهم‌ترین پیش‌بین سرزندگی است. این یافته نشان می‌دهد که احساس زنده‌بودن، پویایی و نشاط در پارک‌های محله‌ای بیش از هر چیز تحت تأثیر کیفیت تجربه حسی کاربران از فضا قرار دارد. کیفیت منظر، تنوع عناصر طبیعی، آرامش بصری، صداهای محیطی، رایحه‌های مطلوب و دلپذیری کلی فضا می‌توانند زمینه‌ساز حضور بیشتر، استفاده مداوم و شکل‌گیری حس سرزندگی شوند.

کنش‌های اجتماعی نیز با ضریب بتای ۰.۱۴۰ و سطح معناداری ۰.۰۴۴ اثر مثبت و معناداری بر سرزندگی داشته‌اند. این نتیجه نشان می‌دهد که سرزندگی پارک تنها حاصل کیفیت فضایی نیست، بلکه از حضور مردم، تعاملات روزمره، فعالیت‌های جمعی، گفت‌وگو، بازی کودکان و استفاده مستمر از فضا شکل می‌گیرد. بنابراین، پارک زمانی به فضایی سرزنده تبدیل می‌شود که امکان حضور هم‌زمان گروه‌های مختلف، تعامل اجتماعی و فعالیت‌های متنوع را فراهم کند.

در مقابل، کیفیت کالبدی، قابلیت‌های عملکردی و ایمنی در مدل سرزندگی اثر مستقیم و معناداری نشان نداده‌اند. این یافته بیانگر آن است که سرزندگی بیش از آنکه نتیجه مستقیم تجهیزات و امکانات باشد، حاصل رابطه میان تجربه حسی، حضور اجتماعی و الگوهای رفتاری کاربران در فضاست. به بیان دیگر، امکانات کالبدی و عملکردی زمانی می‌توانند در سرزندگی مؤثر باشند که بتوانند بستر تجربه، حضور، مکث و تعامل را در فضا تقویت کنند.

مقایسه تطبیقی پارک‌های مورد مطالعه

برای شناخت تفاوت‌های فضایی و عملکردی میان چهار پارک مورد مطالعه، میانگین متغیرهای پژوهش در هر پارک به‌صورت جداگانه محاسبه شد. نتایج این مقایسه در جدول ۱۰ ارائه شده است.

جدول ۱۰: مقایسه میانگین متغیرها در چهار پارک

متغیر	پارک ۱ (خیام)	پارک ۲ (نیلوفر)	پارک ۳ (لاله)	پارک ۴ (فرهنگ)
کیفیت کالبدی	۳.۱۱۶	۳.۷۲۹	۳.۶۳۲	۳.۷۷۸
قابلیت عملکردی	۲.۸۴۰	۳.۸۵۸	۳.۵۳۲	۳.۷۸۰
کنش اجتماعی	۳.۱۸۰	۴.۰۵۴	۳.۸۲۸	۳.۹۶۹
ادراک حسی	۳.۴۱۵	۴.۰۱۰	۳.۹۸۰	۴.۱۳۰
ایمنی	۳.۳۴۰	۳.۷۹۲	۳.۸۶۰	۳.۸۲۰
سرزندگی	۳.۴۸۸	۴.۰۵۴	۴.۰۳۲	۴.۰۲۸
کیفیت زندگی	۳.۵۱۶	۳.۹۸۳	۴.۰۶۰	۴.۱۴۴

نتایج جدول ۱۰نشان می‌دهد که پارک فرهنگ بالاترین میانگین را در کیفیت زندگی ۴.۱۴۴ و ادراک حسی ۴.۱۳۰ به خود اختصاص داده است. این یافته نشان می‌دهد که کاربران این پارک، تجربه حسی مطلوب‌تری از فضا داشته‌اند و همین امر می‌تواند در ارزیابی مثبت آنان از کیفیت زندگی مؤثر باشد. همچنین پارک نیلوفر بالاترین میانگین را در سرزندگی ۴.۰۵۴ و کنش اجتماعی ۴.۰۵۴ نشان می‌دهد. این موضوع بیانگر آن است که پارک نیلوفر از ظرفیت اجتماعی بالاتری برخوردار بوده و حضور و تعامل کاربران در آن پررنگ‌تر است.

در مقابل، پارک خیام در تمامی مؤلفه‌ها پایین‌ترین میانگین را دارد. پایین‌ترین مقدار این پارک مربوط به قابلیت‌های عملکردی با میانگین ۲.۸۴۰ است. این وضعیت نشان می‌دهد که پارک خیام از نظر امکانات، تجهیزات، قابلیت استفاده، فضاهای مکث و فعالیت، نیازمند مداخله و بهبود اساسی است. پایین بودن هم‌زمان شاخص‌های کالبدی، عملکردی، اجتماعی و حسی در این پارک نشان می‌دهد که ضعف کیفیت فضایی می‌تواند به کاهش حضورپذیری، تعامل اجتماعی و ارزیابی مثبت کاربران از فضا منجر شود.

مقایسه اکتشافی ضرایب اثرگذاری مؤلفه‌ها در پارک‌های مختلف

برای شناخت تفاوت‌های احتمالی الگوی اثرگذاری مؤلفه‌های کیفیت فضای سبز در چهار پارک، ضرایب بتای متغیرهای پیش‌بین برای دو متغیر کیفیت زندگی و سرزندگی به تفکیک پارک‌ها مقایسه شد .با این حال، با توجه به محدود بودن

تعداد پاسخ‌دهندگان در هر زیرگروه، این بخش صرفاً ماهیت اکتشافی و تفسیری دارد و نباید به‌عنوان برآورد قطعی و تعمیم‌پذیر برای هر پارک تلقی شود.

جدول ۱۱: مقایسه اکتشافی ضرایب Beta برای کیفیت زندگی

متغیر	پارک ۱ (خیام)	پارک ۲ (نیلوفر)	پارک ۳ (لاله)	پارک ۴ (فرهنگ)
کیفیت کالبدی	۰.۰۰۹	-۰.۰۴۶	۰.۰۴۰	۰.۲۵۷
قابلیت عملکردی	۰.۰۳۹	۰.۰۴۶	-۰.۰۶۳	۰.۰۳۶
کنش اجتماعی	۰.۱۵۷	۰.۱۹۱	۰.۱۷۵	۰.۰۶۷
ادراک حسی	***۰.۸۹۰**	*۰.۹۱۶	***۰.۸۸۰**	***۰.۷۶۹**
ایمنی	-۰.۱۴۸	-۰.۲۱۷	-۰.۲۲۹	***-۰.۳۰۳**

مطابق جدول ۱۱، ادراک حسی مهم‌ترین و پایدارترین متغیر تبیین‌کننده کیفیت زندگی در تمامی پارک‌های مورد مطالعه است. این مؤلفه در پارک خیام با ضریب بتای ۰.۸۹۰، در پارک نیلوفر با ضریب بتای ۰.۹۱۶، در پارک لاله با ضریب بتای ۰.۸۸۰ و در پارک فرهنگ با ضریب بتای ۰.۷۶۹ نقش برجسته‌ای در تبیین کیفیت زندگی کاربران داشته است. با وجود این، به دلیل ماهیت زیرگروهی تحلیل، این ضرایب بیشتر به‌عنوان نشانه‌ای از تفاوت‌های زمینه‌ای و نه نتیجه‌ای قطعی و تعمیم‌پذیر تفسیر می‌شوند.

همچنین، ضریب منفی ایمنی در برخی پارک‌ها، به‌ویژه پارک فرهنگ، باید با توجه به هم‌پوشانی ایمنی با ادراک حسی و کنش اجتماعی تفسیر شود .این یافته بیش از آنکه بیانگر اثر منفی امنیت باشد، نشان‌دهنده نقش زمینه‌ای امنیت در کنار روشنایی، حضور دیگران، آرامش محیطی و کیفیت تجربه حسی است .در مجموع، یافته‌های اکتشافی این بخش تأکید می‌کند که کیفیت زندگی در پارک‌های مورد مطالعه بیش از همه با ادراکات حسی و عاطفی کاربران پیوند دارد.

جدول ۱۲: مقایسه اکتشافی ضرایب Beta برای سرزندگی

متغیر	پارک خیام	پارک نیلوفر	پارک لاله	پارک فرهنگ
کیفیت کالبدی	-۰.۰۴۴	۰.۱۰۳	-۰.۰۱۵	۰.۲۸۸
قابلیت عملکردی	۰.۱۳۷	-۰.۰۸۰	*۰.۳۸۹	۰.۰۶۳
کنش اجتماعی	۰.۲۲۹	*۰.۵۵۰	-۰.۰۱۰	۰.۰۲۰
ادراک حسی	*۰.۷۰۹	۰.۲۴۴	*۰.۵۴۶	*۰.۵۹۹
ایمنی	-۰.۰۹۹	۰.۰۵۸	-۰.۱۶۸	-۰.۱۴۱

علامت ستاره (*) نشان‌دهنده معناداری آماری ضریب بتا در سطح ۰.۰۵ است

نتایج جدول ۱۲ نشان می‌دهد که الگوی پیش‌بینی سرزندگی در چهار پارک یکسان نیست؛ با این حال، به دلیل محدودیت حجم نمونه در سطح هر پارک، این ضرایب باید با احتیاط و در کنار میانگین‌های توصیفی و یافته‌های کیفی تفسیر شوند. در پارک خیام، ادراک حسی با ضریب بتای ۰.۷۰۹ تنها متغیر معنادار در پیش‌بینی سرزندگی است. این یافته نشان می‌دهد که در پارکی که از نظر میانگین شاخص‌ها ضعیف‌ترین وضعیت را دارد، تجربه حسی کاربران همچنان یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری حس سرزندگی است.

در پارک نیلوفر، کنش اجتماعی با ضریب بتای ۰.۵۵۰ مهم‌ترین پیش‌بین سرزندگی است. این نتیجه با میانگین بالای کنش اجتماعی و سرزندگی در این پارک همخوانی دارد و نشان می‌دهد که هویت اصلی پارک نیلوفر، ماهیتی اجتماعی و تعاملی دارد. به بیان دیگر، سرزندگی در این پارک بیشتر از طریق حضور مردم، ارتباطات روزمره، فعالیت‌های جمعی و استفاده مداوم از فضا شکل می‌گیرد.

در پارک لاله، قابلیت‌های عملکردی با ضریب بتای ۰.۳۸۹ و ادراک حسی با ضریب بتای ۰.۵۴۶ در پیش‌بینی سرزندگی معنادار هستند. این یافته نشان می‌دهد که در این پارک، هم کیفیت تجربه حسی و هم قابلیت استفاده و عملکرد فضا در شکل‌گیری سرزندگی نقش دارند. بنابراین، پارک لاله الگوی متنوع‌تری از اثرگذاری مؤلفه‌ها را نشان می‌دهد.

در پارک فرهنگ نیز ادراک حسی با ضریب بتای ۵۹۹.۰ مهم‌ترین پیش‌بین معنادار سرزندگی است .در مجموع، یافته‌های کمی نشان می‌دهد که ادراکات حسی پایدارترین مؤلفه در تبیین کیفیت زندگی و سرزندگی کاربران پارک‌های مورد مطالعه است .کنش‌های اجتماعی نیز به‌ویژه در تبیین سرزندگی و کیفیت زندگی نقش مهمی دارد، اما کیفیت کالبدی–فضایی و قابلیت‌های عملکردی بیشتر به‌عنوان بسترهای زمینه‌ساز عمل می‌کنند .نتایج تطبیقی پارک‌ها نیز به‌صورت اکتشافی نشان می‌دهد که هر پارک بر اساس ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی و حسی خود، سازوکار متفاوتی در شکل‌گیری سرزندگی و کیفیت زندگی دارد .بر همین اساس، در ادامه، یافته‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌ها و مشاهده میدانی ارائه می‌شود تا سازوکارهای تجربی و تفسیری پشت این روابط آماری روشن‌تر گردد.

یافته‌های کیفی و تحلیل مضمون تجربه کاربران از فضاهای سبز

به‌منظور تبیین عمیق‌تر نتایج کمی، داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته کوتاه با ۱۶ نفر از کاربران چهار پارک منتخب و مشاهده میدانی پژوهشگر مورد تحلیل مضمون قرار گرفت .هدف از این مرحله، تولید نظریه مستقل یا تعمیم کیفی گسترده نبود، بلکه فهم چگونگی تجربه کاربران از مؤلفه‌های کیفیت فضای سبز و روشن‌کردن این مسئله بود که چرا برخی متغیرها، مانند ادراکات حسی و کنش‌های اجتماعی، در تحلیل کمی نقش پررنگ‌تری در تبیین سرزندگی و کیفیت زندگی داشته‌اند.

تحلیل داده‌های کیفی در سه مرحله انجام شد .در مرحله نخست، داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها و یادداشت‌های میدانی به واحدهای معنایی تقسیم شدند .در مرحله دوم، برای هر واحد معنایی، کدهای اولیه استخراج شد .در مرحله سوم، کدهای اولیه در قالب مقوله‌های محوری و مضامین اصلی سازمان‌دهی شدند .برای افزایش اعتمادپذیری، کدها با یادداشت‌های میدانی و نتایج کمی مقابله شدند و مضامین نهایی در فرایند بازنگری توسط نویسندگان بررسی گردیدند .نتایج تحلیل کیفی نشان داد که تجربه کاربران از پارک‌ها بیش از آنکه صرفاً به امکانات فیزیکی وابسته باشد، با کیفیت حسی فضا، امکان مکث، حضور دیگران، تعاملات روزمره، احساس امنیت و آرامش ذهنی پیوند دارد .این یافته با نتایج کمی پژوهش همخوان

است؛ زیرا در مدل‌های رگرسیونی نیز ادراکات حسی و کنش‌های اجتماعی بیشترین نقش را در تبیین کیفیت زندگی و سرزندگی داشته‌اند.

کدگذاری اولیه داده‌های کیفی

در جدول ۱۳، نمونه‌ای از کدگذاری اولیه داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها و مشاهده میدانی ارائه شده است. این جدول نشان می‌دهد که داده‌های خام چگونه به کدهای اولیه و سپس به مؤلفه‌های مرتبط با پژوهش پیوند خورده‌اند.

جدول ۱۳: نمونه کدگذاری اولیه مصاحبه‌ها و مشاهده میدانی

مؤلفه مرتبط	کد اولیه	داده خام / مشاهده میدانی
ادراکات حسی، کیفیت زندگی	آرامش ناشی از طبیعت	بسیاری از کاربران اشاره کردند که درختان، سایه و فضای سبز پارک باعث آرامش و کاهش خستگی روزانه آنان می‌شود.
کنش‌های اجتماعی، سرزندگی	حضور خانوادگی و جمعی	در پارک فرهنگ، حضور خانواده‌ها و گروه‌های دوستانه در ساعات عصر و شب به‌صورت پررنگ مشاهده شد.
قابلیت‌های عملکردی، کنش‌های اجتماعی	جذابیت عملکردی و اجتماعی	تعدادی از کاربران پارک نیلوفر، تنوع امکانات و حضور جمعیت را دلیل اصلی مراجعه مکرر خود عنوان کردند.
قابلیت‌های عملکردی، کیفیت کالبدی	ضعف امکانات و مکث	در پارک خیام، برخی کاربران به کمبود امکانات و ضعف فضاهای مکث اشاره کردند.
کیفیت کالبدی، کنش اجتماعی	امکان مکث و استراحت خانوادگی	کاربران پارک لاله، آلاچیق‌ها و فضاهای نشستن را برای حضور خانوادگی و استراحت مناسب ارزیابی کردند.
ایمنی	امنیت ناشی از روشنایی و حضور دیگران	در بخش‌هایی از پارک‌ها، روشنایی و حضور سایر افراد باعث افزایش احساس امنیت کاربران شده بود.
ادراکات حسی، سرزندگی	دلپذیری حسی و تمایل به بازگشت	برخی کاربران بیان کردند که زیبایی منظر، صدای پرندگان و آرامش محیطی، انگیزه حضور دوباره در پارک را افزایش می‌دهد.
کیفیت کالبدی، کنش اجتماعی	پیوند کالبد و تعامل اجتماعی	مشاهده میدانی نشان داد که در فضاهایی با نیمکت، سایه و دید مناسب، مکث و گفت‌وگو بیشتر شکل می‌گیرد.
ایمنی	پرهیز از فضاهای کم‌نور	در ساعات خلوت‌تر، برخی کاربران به‌ویژه خانواده‌ها و سالمندان، تمایل کمتری به حضور در بخش‌های کم‌نور نشان دادند.
کیفیت زندگی، ادراکات حسی	رهایی از فشار روزمره	کاربران، پارک را محلی برای فاصله گرفتن از فشارهای روزمره و تجربه آرامش توصیف کردند.

نتایج جدول ۱۳ نشان می‌دهد که کدهای اولیه به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها و مشاهده میدانی، با متغیرهای اصلی پژوهش همخوانی دارند. به‌ویژه کدهایی مانند آرامش ناشی از طبیعت، دلپذیری حسی، امکان مکث، حضور خانوادگی و تعاملات روزمره نشان می‌دهند که ادراکات حسی و کنش‌های اجتماعی در تجربه کاربران از پارک‌ها جایگاه محوری دارند. همچنین کدهایی مانند ضعف امکانات، پرهیز از فضاهای کم‌نور و امنیت ناشی از حضور دیگران نشان می‌دهند که مؤلفه‌های کالبدی، عملکردی و ایمنی بیشتر به‌عنوان شرایط زمینه‌ای تجربه کاربران عمل می‌کنند.



شکل ۴: فرایند کدگذاری و استخراج مضامین در بخش کیفی پژوهش

مقوله‌ها و مضامین اصلی

پس از استخراج کدهای اولیه، کدهای مشابه در قالب مقوله‌های محوری دسته‌بندی شدند و در نهایت پنج مضمون اصلی از داده‌های کیفی به دست آمد. این مضامین در جدول ۱۴ ارائه شده‌اند.

جدول ۱۴: مقوله‌ها و مضامین اصلی حاصل از تحلیل مضمون

ارتباط با یافته‌های کمی	مضمون اصلی	مقوله محوری	کدهای اولیه
تبیین‌کننده اثر بالای ادراکات حسی بر کیفیت زندگی و سرزندگی	غلبه تجربه حسی در ارزیابی کاربران از پارک	تجربه حسی مطلوب	آرامش ناشی از طبیعت، زیبایی منظر، سایه، صدای طبیعی، دلپذیری فضا، تمایل به بازگشت
تبیین‌کننده اثر مثبت کنش‌های اجتماعی بر کیفیت زندگی و سرزندگی	اجتماعی‌شدن فضای سبز	حضور و تعامل اجتماعی	حضور خانوادگی، گفت‌وگو، دورهمی، بازی کودکان، حضور گروه‌های مختلف
تبیین‌کننده معنادار نبودن اثر مستقیم کیفیت کالبدی و عملکردی در برخی مدل‌ها	نقش زمینه‌ساز کالبد و عملکرد	کالبد به‌عنوان بستر استفاده	نیمکت، آلاچیق، مسیر، فضای مکث، امکانات بازی، خدمات رفاهی

ارتباط با یافته‌های کمی	مضمون اصلی	مقوله محوری	کدهای اولیه
تبیین‌کننده نقش پیچیده و زمینه‌ای ایمنی در مدل رگرسیون	ایمنی به‌عنوان شرط حضور و استفاده	امنیت ادراک‌شده	روشنایی، دیدپذیری، حضور دیگران، پرهیز از بخش‌های خلوت یا کم‌نور
تبیین‌کننده رابطه مثبت کیفیت فضای سبز با کیفیت زندگی	پیوند پارک با کیفیت زندگی روزمره	بهبود تجربه روزمره	آرامش ذهنی، فاصله گرفتن از فشار روزمره، رضایت از محیط، استفاده مکرر

همان‌گونه که در جدول ۱۴ مشاهده می‌شود، مضمون «غلبه تجربه حسی در ارزیابی کاربران از پارک» مهم‌ترین مضمون استخراج‌شده از داده‌های کیفی است. این مضمون نشان می‌دهد که کاربران، کیفیت پارک را بیش از هر چیز از طریق عناصر حسی مانند آرامش محیطی، زیبایی منظر، سایه، پوشش گیاهی، صداهای طبیعی و دلپذیری کلی فضا ارزیابی می‌کنند. این نتیجه به‌خوبی یافته‌های کمی را توضیح می‌دهد؛ زیرا در تحلیل رگرسیون نیز ادراکات حسی قوی‌ترین پیش‌بین کیفیت زندگی و سرزندگی بوده است.

مضمون دوم، «اجتماعی‌شدن فضای سبز» است. این مضمون نشان می‌دهد که پارک‌ها برای کاربران فقط مکان‌هایی برای عبور یا استراحت فردی نیستند، بلکه عرصه‌هایی برای حضور خانوادگی، گفت‌وگو، دورهمی، بازی کودکان و تعاملات روزمره محسوب می‌شوند. این یافته با نتایج کمی مربوط به اثر مثبت کنش‌های اجتماعی بر کیفیت زندگی و سرزندگی همخوان است.

مضمون سوم، «نقش زمینه‌ساز کالبد و عملکرد» است. داده‌های کیفی نشان دادند که عناصر کالبدی و عملکردی مانند نیمکت، آلاچیق، مسیر، فضای بازی و امکانات رفاهی زمانی در تجربه کاربران اهمیت پیدا می‌کنند که امکان مکث، تعامل، آرامش یا فعالیت را فراهم کنند. بنابراین، معنادار نبودن اثر مستقیم کیفیت کالبدی و قابلیت عملکردی در برخی مدل‌های رگرسیونی به معنای بی‌اهمیت بودن آن‌ها نیست، بلکه نشان می‌دهد این مؤلفه‌ها بیشتر نقش زمینه‌ساز و غیرمستقیم دارند.

مضمون چهارم، «ایمنی به‌عنوان شرط حضور و استفاده» است. کاربران معمولاً امنیت را به‌صورت مستقل از سایر ویژگی‌های محیطی تجربه نمی‌کنند، بلکه آن را در پیوند با روشنایی، دیدپذیری، حضور دیگران و خلوت یا شلوغ بودن فضا درک می‌کنند. این یافته می‌تواند ضریب منفی ایمنی در مدل رگرسیون کیفیت زندگی را روشن‌تر کند؛ زیرا ایمنی با ادراکات حسی و کنش‌های اجتماعی همپوشانی دارد و نقش آن بیشتر زمینه‌ای و وابسته به شرایط استفاده از فضاست.

مضمون پنجم، «پیوند پارک با کیفیت زندگی روزمره» است. بسیاری از کاربران پارک را فضایی برای فاصله گرفتن از فشارهای روزمره، تجربه آرامش، حضور با خانواده و بهبود حس رضایت از محیط زندگی توصیف کردند. این مضمون نشان می‌دهد که اثر پارک بر کیفیت زندگی، صرفاً از مسیر امکانات کالبدی نیست، بلکه از طریق تجربه روزمره، آرامش ذهنی و رضایت محیطی شکل می‌گیرد.و



شکل ۵ : مدل مفهومی مضامین کیفی تجربه کاربران از فضاهای سبز شهری در ارتباط با سرزندگی و کیفیت زندگی

تحلیل تطبیقی مضامین در چهار پارک

بررسی داده‌های کیفی نشان داد که اگرچه مضامین اصلی در هر چهار پارک مشاهده می‌شود، اما شدت و شکل بروز آن‌ها در پارک‌های مختلف متفاوت است. در پارک فرهنگ، مضمون تجربه حسی مطلوب و آرامش محیطی پررنگ‌تر بود. این موضوع با یافته‌های کمی همخوان است؛ زیرا پارک فرهنگ بالاترین میانگین ادراک حسی و کیفیت زندگی را داشت. در پارک نیلوفر، مضمون حضور و تعامل اجتماعی برجسته‌تر بود و کاربران بیشتر به تنوع فعالیت‌ها، حضور جمعیت و استفاده خانوادگی اشاره کردند. این یافته نیز با نتایج کمی مربوط به بالاتر بودن سرزندگی و کنش اجتماعی در پارک نیلوفر همخوانی دارد.

در پارک لاله، داده‌های کیفی نشان داد که فضاهای نشستن، آلاچیق‌ها و امکان مکث خانوادگی نقش مهمی در تجربه کاربران دارند. به همین دلیل، در این پارک قابلیت‌های عملکردی و ادراکات حسی در شکل‌گیری سرزندگی اهمیت بیشتری پیدا کرده‌اند. در پارک خیام، کاربران بیشتر به ضعف امکانات، محدودیت فضاهای مکث و کیفیت پایین‌تر برخی مؤلفه‌ها اشاره کردند. با این حال، حتی در این پارک نیز تجربه حسی، مانند آرامش نسبی و فضای سبز، همچنان یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری سرزندگی بود. این موضوع با یافته کمی مربوط به نقش معنادار ادراک حسی در پارک خیام هماهنگ است.

ادغام یافته‌های کمی و کیفی

برای نشان دادن نقش تبیینی بخش کیفی نسبت به یافته‌های کمی، جدول ۱۵ ارتباط میان نتایج آماری و مضامین استخراج‌شده از مصاحبه‌ها و مشاهده میدانی را نشان می‌دهد.

جدول ۱۵: ادغام یافته‌های کمی و کیفی پژوهش

تفسیر تلفیقی	یافته کیفی مکمل	یافته کمی
کیفیت زندگی کاربران بیش از هر چیز از مسیر تجربه حسی، آرامش ذهنی و رضایت از محیط تقویت می‌شود.	کاربران کیفیت پارک را از طریق آرامش، زیبایی منظر، سایه، پوشش گیاهی، صداهای طبیعی و دلپذیری کلی فضا تجربه می‌کنند.	ادراکات حسی قوی‌ترین پیش‌بین کیفیت زندگی است.
سرزندگی فقط حاصل فعالیت زیاد نیست، بلکه از تجربه حسی مثبت و تمایل به ماندن در فضا نیز شکل می‌گیرد.	فضاهای دلپذیر، سایه‌دار و آرام، کاربران را به مکث، حضور دوباره و استفاده مستمر از پارک ترغیب می‌کنند.	ادراکات حسی مهم‌ترین پیش‌بین سرزندگی است.
پارک زمانی به فضای مؤثر بر کیفیت زندگی تبدیل می‌شود که امکان ارتباط اجتماعی و حضور جمعی را فراهم کند.	حضور خانواده‌ها، گفت‌وگو، دورهمی، بازی کودکان و تعاملات روزمره در پارک‌ها مشاهده شد.	کنش‌های اجتماعی اثر مثبت و معناداری بر کیفیت زندگی و سرزندگی دارد.
کالبد و عملکرد نقش زمینه‌ساز دارند و اثر آن‌ها از طریق تجربه حسی و تعامل اجتماعی ظاهر می‌شود.	کاربران امکانات کالبدی را زمانی مهم می‌دانند که به نشستن، مکث، حرکت، بازی، استراحت یا تعامل کمک کند.	کیفیت کالبدی و قابلیت عملکردی در برخی مدل‌ها اثر مستقیم معنادار ندارند.
ایمنی متغیری زمینه‌ای و وابسته به سایر مؤلفه‌هاست و نباید ضریب منفی آن به‌عنوان اثر منفی واقعی امنیت تفسیر شود.	امنیت در تجربه کاربران وابسته به روشنایی، حضور دیگران، دیدپذیری و پرهیز از فضاهای خلوت یا کم‌نور است.	ایمنی در همبستگی رابطه مثبت دارد، اما در رگرسیون کیفیت زندگی ضریب منفی نشان می‌دهد.
هر پارک هویت فضایی و اجتماعی خاص خود را دارد و مداخلات بهبود باید متناسب با ویژگی‌های زمینه‌ای هر پارک طراحی شود.	در فرهنگ تجربه حسی، در نیلوفر تعامل اجتماعی، در لاله مکث و عملکرد، و در خیام ضعف امکانات بیشتر برجسته شد.	الگوی اثرگذاری مؤلفه‌ها در پارک‌های مختلف یکسان نیست.

نتایج جدول ۱۵ نشان می‌دهد که یافته‌های کیفی نه‌تنها نتایج کمی را تأیید می‌کنند، بلکه چرایی و چگونگی این روابط را نیز روشن‌تر می‌سازند. برای مثال، تحلیل کمی نشان داد که ادراکات حسی قوی‌ترین پیش‌بین کیفیت زندگی و سرزندگی است؛ اما تحلیل کیفی نشان داد که این اثر از طریق تجربه آرامش، زیبایی منظر، سایه، صدای طبیعی، دلپذیری فضا و تمایل به حضور مجدد شکل می‌گیرد. به همین ترتیب، نتایج کمی نشان داد که کنش‌های اجتماعی اثر مثبت و معناداری دارد، در حالی که داده‌های کیفی نشان دادند این اثر در قالب حضور خانوادگی، گفت‌وگو، دورهمی و بازی کودکان در فضای پارک معنا پیدا می‌کند.

از سوی دیگر، تحلیل تلفیقی نشان می‌دهد که مؤلفه‌های کالبدی و عملکردی، اگرچه در برخی مدل‌های کمی اثر مستقیم معناداری نداشته‌اند، اما در تجربه کاربران نقش مهمی در فراهم‌کردن زمینه مکث، تعامل و تجربه حسی مطلوب دارند. بنابراین، نقش این مؤلفه‌ها را باید غیرمستقیم و زمینه‌ای دانست. همچنین درباره ایمنی، یافته‌های کیفی نشان دادند که امنیت از دید کاربران مفهومی وابسته به شرایط فضایی و اجتماعی است؛ یعنی روشنایی، دیدپذیری، حضور دیگران و نبود فضاهای خلوت یا رهاشده در شکل‌گیری آن نقش دارند. این موضوع به تفسیر محتاطانه‌تر نتایج رگرسیون کمک می‌کند.

در مجموع، یافته‌های کیفی نشان می‌دهد که فضاهای سبز شهری زمانی می‌توانند در ارتقای سرزندگی و کیفیت زندگی مؤثر باشند که به تجربه‌ای چندبعدی برای کاربران تبدیل شوند؛ تجربه‌ای که در آن کیفیت حسی، امکان مکث، تعامل اجتماعی، امنیت ادراک‌شده و قابلیت استفاده روزمره به‌صورت هم‌زمان عمل می‌کنند. بر این اساس، ارتقای پارک‌های شهری نباید صرفاً به افزایش امکانات یا اصلاح کالبد محدود شود، بلکه باید بر کیفیت تجربه انسانی، حضورپذیری، آرامش محیطی و تعاملات اجتماعی تمرکز کند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین کمی–کیفی نقش فضاهای سبز شهری در سرزندگی و کیفیت زندگی ساکنان، در چهار پارک منتخب شهر پیرانشهر انجام شد .یافته‌ها نشان می‌دهد که پارک شهری را نباید صرفاً به‌عنوان مجموعه‌ای از تجهیزات، مسیرها و پوشش گیاهی تحلیل کرد، بلکه باید آن را محیطی تجربه‌شونده دانست که کیفیت آن از خلال ادراک حسی، حضور اجتماعی، امکان مکث، احساس امنیت و استفاده روزمره کاربران معنا پیدا می‌کند .از این منظر، نتایج پژوهش با رویکرد پدیدارشناختی به فضا همخوان است؛ زیرا کیفیت محیطی نه فقط در کالبد فضا، بلکه در تجربه زیسته و تفسیر کاربران از آن شکل می‌گیرد.

در سطح کمی، ادراکات حسی پایدارترین متغیر تبیین‌کننده کیفیت زندگی و سرزندگی بود .این متغیر در مدل رگرسیون کیفیت زندگی با ضریب بتای ۹۰۶.۰ و در مدل رگرسیون سرزندگی با ضریب بتای ۶۶۳.۰، بیشترین نقش را نشان داد .با این حال، بررسی شاخص‌های هم‌خطی چندگانه نشان داد که ادراکات حسی با برخی مؤلفه‌ها، به‌ویژه ایمنی و کنش اجتماعی، هم‌پوشانی آماری دارد؛ بنابراین، تفسیر ضرایب رگرسیونی با احتیاط انجام شد .بر این اساس، ادراکات حسی نه به‌عنوان سازه‌ای کاملاً جدا از سایر ابعاد، بلکه به‌عنوان محور تجربه کاربران از آرامش، زیبایی منظر، سایه، پوشش گیاهی، صداهای طبیعی، دلپذیری فضا و تمایل به حضور مجدد قابل فهم است.

نتایج همچنین نشان داد که کنش‌های اجتماعی در شکل‌گیری سرزندگی و کیفیت زندگی نقش مهمی دارد .حضور خانواده‌ها، گفت‌وگو، دورهمی، بازی کودکان، فعالیت‌های جمعی و استفاده مداوم از پارک، فضاهای سبز را از محیط‌هایی صرفاً فیزیکی به عرصه‌هایی برای زندگی اجتماعی تبدیل می‌کند .از منظر نظریه سرزندگی، این یافته نشان می‌دهد که پویایی فضا زمانی شکل می‌گیرد که کیفیت محیطی بتواند زمینه حضور، مشاهده، مکث، تعامل و استفاده هم‌زمان گروه‌های مختلف را فراهم سازد.

کیفیت کالبدی–فضایی و قابلیت‌های عملکردی در مدل‌های رگرسیونی اثر مستقیم و معنادار محدودی نشان دادند؛ اما این نتیجه به معنای کم‌اهمیت بودن کالبد و امکانات نیست .یافته‌های کیفی نشان داد که نیمکت، آلاچیق، مسیرهای پیاده‌روی، فضاهای بازی و خدمات رفاهی زمانی اهمیت پیدا می‌کنند که به تجربه‌ای بهتر از مکث، آرامش، تعامل اجتماعی یا حضور خانوادگی منجر شوند .بنابراین، کالبد و عملکرد بیشتر نقش زمینه‌ساز دارند و اثر آن‌ها از طریق تقویت تجربه حسی و حضور اجتماعی ظاهر می‌شود.

نقش ایمنی نیز در پژوهش حاضر پیچیده و زمینه‌ای بود .در حالی که ایمنی در ماتریس همبستگی با کیفیت زندگی رابطه مثبت داشت، ضریب آن در مدل رگرسیون کیفیت زندگی منفی شد .با توجه به نتایج VIF و هم‌پوشانی ایمنی با ادراکات حسی و کنش‌های اجتماعی، این ضریب نباید به‌عنوان اثر منفی واقعی امنیت تفسیر شود .یافته‌های کیفی نشان داد که

امنیت از دید کاربران در پیوند با روشنایی، دیدپذیری، حضور دیگران، خلوت یا شلوغی فضا و امکان استفاده راحت از پارک معنا پیدا می‌کند .بنابراین، ایمنی بیشتر شرط زمینه‌ای حضور و استفاده از فضاست تا متغیری مستقل و جدا از تجربه کلی کاربران.

مقایسه پارک‌ها نیز نشان داد که هر پارک هویت فضایی و اجتماعی خاص خود را دارد .پارک فرهنگ به دلیل کیفیت بالاتر تجربه حسی، بالاترین میانگین کیفیت زندگی را نشان داد .پارک نیلوفر به دلیل تنوع فعالیت‌ها، حضور جمعیت و تعاملات اجتماعی، بیشترین ظرفیت را در شکل‌گیری سرزندگی داشت .در پارک لاله، قابلیت‌های عملکردی و امکان مکث خانوادگی برجسته‌تر بود و در پارک خیام، ضعف نسبی امکانات، پایین‌تر بودن شاخص‌های کالبدی و محدودیت فضاهای مکث بر تجربه کاربران اثر گذاشت .با توجه به محدودیت حجم نمونه در سطح هر پارک، این نتایج باید به‌صورت اکتشافی و در کنار یافته‌های کیفی تفسیر شوند.

در جمع‌بندی نهایی، ارتقای فضاهای سبز شهری در پیرانشهر نیازمند عبور از نگاه صرفاً کالبدی و تجهیزاتی است . سیاست‌گذاری و طراحی پارک‌ها باید بر ایجاد فضاهایی آرام، زیبا، سایه‌دار، قابل مکث، اجتماعی، ایمن و متناسب با نیاز گروه‌های مختلف کاربران متمرکز باشد .افزایش تجهیزات به‌تنهایی کافی نیست؛ بلکه تجهیزات، مسیرها، روشنایی، پوشش گیاهی و فضاهای نشستن باید در خدمت تجربه انسانی، تعامل اجتماعی و کیفیت زیست روزمره شهروندان قرار گیرند . راهکارهای عملیاتی پیشنهادی برای هر پارک در جدول ۱۶ خلاصه شده است.

جدول ۱۶: راهکارهای اختصاصی پیشنهادی برای ارتقای پارک‌های مورد مطالعه

پارک	مسئله یا ظرفیت محوری	راهکارهای پیشنهادی
خیام	ضعف نسبی امکانات، فضاهای مکث و کیفیت عملکردی	تقویت مبلمان و روشنایی، افزایش فضاهای نشستن و مکث، بهبود مسیرهای پیاده‌روی، ایجاد فعالیت‌های محله‌ای و ارتقای کیفیت نگهداری
نیلوفر	ظرفیت بالای اجتماعی و مراجعه زیاد	حفظ تنوع فعالیت‌ها، مدیریت ازدحام، بهبود خدمات رفاهی و نظافت، تقویت فضاهای خانوادگی و فعالیت‌های جمعی
لاله	نقش محله‌ای، خانوادگی و مکث‌پذیری	افزایش سایه و آلاچیق، ارتقای فضاهای نشستن، تقویت ایمنی مسیرها، مناسب‌سازی برای کودکان و سالمندان
فرهنگ	کیفیت حسی و حضور اجتماعی در ساعات عصر و شب	حفظ کیفیت منظر، تقویت نورپردازی و دیدپذیری، افزایش فضاهای گفت‌وگو و تعامل، ارتقای امنیت ادراک‌شده در ساعات شب

محدودیت‌های پژوهش

این پژوهش با چند محدودیت همراه بود که باید در تفسیر نتایج مورد توجه قرار گیرد. نخست، به دلیل نامشخص بودن تعداد دقیق کاربران پارک‌ها، نمونه‌گیری در دسترس به کار رفت؛ بنابراین تعمیم نتایج به کل شهر باید با احتیاط انجام شود. دوم، حجم نمونه در سطح هر پارک برای اجرای رگرسیون‌های تفکیکی قطعی محدود بود و از این رو، نتایج مقایسه ضرایب در سطح پارک‌ها ماهیت اکتشافی دارد. سوم، میان ادراکات حسی، ایمنی و کنش‌های اجتماعی هم‌پوشانی آماری و مفهومی مشاهده شد؛ به همین دلیل، ضرایب رگرسیونی با احتیاط تفسیر شدند. چهارم، بخش کیفی بر پایه ۱۶ مصاحبه کوتاه و مشاهده میدانی انجام شد و نقش آن تبیینی و مکمل بود، نه نظریه‌پردازانه. پنجم، به دلیل تعداد نسبتاً زیاد گویه‌های پرسشنامه، احتمال خستگی برخی پاسخ‌دهندگان وجود داشت؛ هرچند گویه‌ها کوتاه، روشن و مبتنی بر طیف

لیکرت طراحی شده بودند. در پژوهش‌های آینده پیشنهاد می‌شود از نمونه بزرگ‌تر، نمونه‌گیری احتمالی، سنجش طولی، تحلیل عاملی تأییدی یا مدل‌یابی معادلات ساختاری برای تفکیک دقیق‌تر سازه‌ها و آزمون روابط مستقیم و غیرمستقیم استفاده شود.

تشکر و قدردانی

موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

تاییدیه‌های اخلاقی

پرسشنامه‌ها و مصاحبه‌های پژوهش با رضایت آگاهانه مشارکت‌کنندگان انجام شد و اطلاعات پاسخ‌گویان به‌صورت محرمانه نگهداری گردید.

تعارض منافع

موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

سهم نویسندگان در مقاله

فرزاد ناصری‌فر :گردآوری داده‌ها، تحلیل داده‌ها و نگارش نسخه اولیه مقاله؛ بابک مطیعی :راهنمایی علمی، نظارت، بازبینی انتقادی و اصلاح نهایی مقاله.

منابع مالی/حمایت‌ها

موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

فهرست منابع

1. Lam C. The role of green spaces in enhancing residents' subjective well-being in urban communities. Social Science and Management. 2024;1(1):20-28. doi:10.61784/ssm3005.
2. Jabbar M, Yusoff MM, Shafie A. Assessing the role of urban green spaces for human well-being: A systematic review. GeoJournal. 2022;87:4405-4423. doi:10.1007/s10708-021-10474-7.
3. Selanon P, Chuangchai W. The importance of urban green spaces in enhancing holistic health and sustainable well-being for people with disabilities: A narrative review. Buildings. 2023;13(8):2100. doi:10.3390/buildings13082100.
4. Xu Z, Marini S, Mauro M, Maietta Latessa P, Grigoletto A, Toselli S. Associations between urban green space quality and mental wellbeing: Systematic review. Land. 2025;14(2):381. doi:10.3390/land14020381.
5. Keykhaei M. The role of small green spaces in improving quality of life in deprived urban neighborhoods. 2025. Available from: https://civilica.com/doc/2269331/ [In Persian].
6. Janadleh A. Urban green spaces and quality of life: A model for evaluating the social impacts of parks and urban green spaces and its empirical application in three parks in

Tehran. Social Welfare and Development Planning. 2016;7(27):225-284. doi:10.22054/qjsd.2016.5944 [In Persian].
7. Cardinali M, Beenackers MA, Fleury-Bahi G, Bodénan P, Petrova MT, van Timmeren A, et al. Examining green space characteristics for social cohesion and mental health outcomes: A sensitivity analysis in four European cities. Urban Forestry & Urban Greening. 2024;93:128230. doi:10.1016/j.ufug.2024.128230.
8. Roberts H, Kellar I, Conner M, Gidlow C, Kelly B, Nieuwenhuijsen M, et al. Associations between park features, park satisfaction and park use in a multi-ethnic deprived urban area. Urban Forestry & Urban Greening. 2019;46:126485. doi:10.1016/j.ufug.2019.126485.
9. Latifi A, Sajadzadeh H. Evaluating the effect of environmental quality components on behavioral patterns in urban parks: Case study of Mardom Park, Hamedan. Urban Studies. 2014;3(11):3-18. Available from: https://journals.uok.ac.ir/article_9563.html [In Persian].
10. Safaei-Rineh M, Pourahmad A, Zanganeh-Shahraki S. Spatial analysis of vitality in urban spaces: Case study of 17 Shahrivar pedestrian street, Tehran. Sustainable City. 2019;2(2):107-124. doi:10.22034/jsc.2019.93707 [In Persian].
11. Karami E, Bostani A, Javanfrouzandeh A, Abdollahi R. Measuring the effect of spatial quality on urban park vitality: Case study of Shorabil Park, Ardabil. Urban Ecology Research. 2022;13(1):51-68. doi:10.30473/grup.2022.58038.2603 [In Persian].
12. Li W, Liu Y. The influence of visual and auditory environments in parks on visitors' landscape preference, emotional state, and perceived restorativeness. Humanities and Social Sciences Communications. 2024;11:1491. doi:10.1057/s41599-024-04064-4.
13. Yakınlar N, Akpınar A. How perceived sensory dimensions of urban green spaces are associated with adults' perceived restoration, stress, and mental health? Urban Forestry & Urban Greening. 2022;72:127572. doi:10.1016/j.ufug.2022.127572.
14. Rezeanu CI. Introduction to the phenomenological approach to urban, residential, and domestic space. Logos Universality Mentality Education Novelty: Philosophy & Humanistic Sciences. 2018;6(2):42-56. doi:10.18662/lumenphs/10.
15. Zanganeh N, Kashmiri H. The role of sensory richness components in improving the environmental quality of urban space: Case study of Zandieh Complex, Shiraz. Geography and Urban Space Development. 2018;5(2):181-200. doi:10.22067/gusd.v5i2.66413 [In Persian].
16. Shokouhi Dolatabadi M, Zarei Z. Analysis of sensory richness using the sensory walk and sensory note-taking technique: Case study of Azadi Park, Shiraz. Urban Planning Knowledge. 2021;5(3):153-169. doi:10.22124/upk.2021.16538.1474 [In Persian].
17. Rousta M, Sholeh M, Amiri N. Analytical study of sensory richness in recognizing urban space with emphasis on olfactory and gustatory senses: Case study of Hafez Street, Shiraz. Urban Studies. 2023;12(48):29-42. Available from: https://journals.uok.ac.ir/article_62683.html [In Persian].
18. Knobel P, Dadvand P, Alonso L, Costa L, Español M, Maneja R. Development of the urban green space quality assessment tool (RECITAL). Urban Forestry & Urban Greening. 2021;57:126895. doi:10.1016/j.ufug.2020.126895.
19. Hosseini-Mand N, Yaghoubi M, Shah-Hosseini H, Javanfrouzandeh A. Evaluation of qualitative-perceptual components of green spaces in promoting residents' satisfaction and vitality around them: Case studies of El Goli Park and Vali Asr Park in Tabriz. Geography and Planning. 2021;25(77):61-79. doi:10.22034/gp.2021.41603.2693 [In Persian].

20. Rasouli SH, Derakhshandeh M, Mirkazemi AS. Qualitative study of the development of urban parks and urban green spaces in optimizing citizens' use of them in Sari. In: The Second International Conference on Modern Research in Civil Engineering, Architecture and Urban Planning; 2015. Available from: https://civilica.com/doc/509593/ [In Persian].
21. Omidvar F, Shiee E, Dehghan Touranposhti A. Explaining the relationship between components of urban space quality and vitality using structural equation modeling: Case study of Maaliabad Street, Shiraz. Hoviat Shahr. 2023;17(56):5-20. Available from: https://sanad.iau.ir/Journal/hoviatshahr/Article/795213/FullText [In Persian].
22. Ahmadi S, Sahraei-Nejad N, Mousavi-Fatemi H. Reconsidering the color qualities of urban parks to improve environmental aesthetic quality: Case study of Narges Park, District 18 of Tehran Municipality. Human and Environment. 2024;22(2):89-105. Available from: https://www.magiran.com/p2757816 [In Persian].
23. Yang Y, Tang S. Examining residents' perceptions and usage preferences of urban public green spaces through the lens of environmental justice. Sustainability. 2025;17(6):2627. doi:10.3390/su17062627.
24. Shrestha T, Chi CVY, Cassarino M, Foley S, Di Blasi Z. Factors influencing the effectiveness of nature-based interventions aimed at improving mental health and wellbeing: An umbrella review. Environment International. 2025;196:109217. doi:10.1016/j.envint.2024.109217.
25. Silva A, Matos M, Gonçalves M. Nature and human well-being: A systematic review of empirical evidence from nature-based interventions. Journal of Environmental Planning and Management. 2024;67(14):3397-3454. doi:10.1080/09640568.2023.2227761.
26. Ghorashi SM, Karimi M, Hatami Dezdarani V, Zeynali S, Momeni S. Non-ideological ecology: A phenomenological study of small urban environments as living ecologies. Advances in Civil Engineering and Environmental Science. 2025;2(1):70-78. doi:10.22034/acees.2024.483785.1010.
27. Albeyboni B, Raswol L. The impact of historic built environment on residents' emotional experiences: Duhok as a case study. Journal of Umm Al-Qura University for Engineering and Architecture. 2025;16:162-171. doi:10.1007/s43995-025-00098-0.
28. Holt M, Powell S. Health and well-being in small and medium-sized enterprises: What public health support do SMEs really need? Perspectives in Public Health. 2015;135(1):49-55. doi:10.1177/1757913914521157.
29. Athokpam V, Chamroy T, Ngairangbam H. The role of urban green spaces in mitigating climate change: An integrative review of ecological, social, and health benefits. Environmental Reports. 2024;6(1):10-14. doi:10.51470/ER.2024.6.1.10.
30. Schoen DP, Libertun de Duren NR. Urban Parks: New York City. Inter-American Development Bank; 2020. doi:10.18235/0002339.